

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





اداره کل حفظ آثار و نشر  
ارزشهای دفاع مقدس استان فارس



گردان حضرت زینب سلام الله علیها

گردآورنده: بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان کارون

صفحه آرا: مجتبی کرمی

ناشر: صبر

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹ - ۷۱ - ۶۸۵۴ - ۳۳۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

**گردان حضرت زینب سلام الله علیها**

**لشکر ۱۹ فجر**

**(کازرون)**

## فهرست

سخنی با خوانندگان ..... ۲

پیش گفتار ..... ۴

مقدمه ..... ۶

### فصل اول : تاریخچه

شکل گیری سازمان های رزم در استان فارس ..... ۱۰

شکل گیری لشکر ۱۹ پیاده فجر ..... ۱۰

طرح تشکیل گردانهای ثابت در لشکر ۱۹ پیاده فجر ..... ۱۱

گردان ۹۰۸۱ ..... ۱۱

شکل گیری گردان حضرت زینب(س) ..... ۱۲

### فصل دوم : عملکرد

بخش اول : فرماندهی شهید باقر سلیمانی ..... ۱۴

عملیات خیبر و خطوط پدافندی جزیره معجون ..... ۱۴

پدافند در محور آبادان و جزیره معجون ..... ۱۵

اعزام به منطقه سومار ..... ۱۶

- بمب باران پادگان ابوذر ..... ۱۷
- عملیات والفجر ۸ ..... ۱۹
- بخش دوم : فرماندهی حاج کاظم پدیدار ..... ۲۰
- دفع پاتک دفاع متحرک عراق ..... ۲۰
- ماموریت و پدافند در قصر شیرین ..... ۲۱
- کرمانشاه - طاقستان ..... ۲۱
- عملیات کربلای ۴ ..... ۲۱
- عملیات کربلای ۵ مرحله اول ..... ۲۲
- عملیات کربلای ۵ مرحله دوم ..... ۲۴
- عملیات کربلای ۵ مرحله سوم ..... ۲۶
- عملیات کربلای ۸ ..... ۲۷
- عملیات نصر ۴ (ماوت) ..... ۲۸
- پدافند در شلمچه (مرحله اول) ..... ۲۸
- پدافند در شلمچه (مرحله دوم) ..... ۲۹
- عملیات ایذایی فاو ..... ۳۰
- عملیات والفجر ۱۰ ..... ۳۱
- بخش سوم : فرماندهی حاج شهباز حبیبی ..... ۳۲

۳۳ ..... عملیات بیت المقدس ۷

۳۴ ..... آخرین عملیات

۳۵ ..... سخن آخر

۳۷..... فصل سوم : شهدای گردان

۳۸..... شهدای سال ۱۳۶۳

۴۸..... شهدای سال ۱۳۶۴

۷۰..... شهدای سال ۱۳۶۵

۱۱۳..... شهدای سال ۱۳۶۶

۱۲۷..... شهدای سال ۱۳۶۷





## مروری بر تاریخچه، عملکرد و شهدای گردان حضرت زینب (س)

### سخنی با خوانندگان

کازرون شهری است به قدمت تاریخ که همواره تاثیری فراتر از وسعت و جمعیت خود در تاریخ داشته است و این ویژگی، در مبارزات مردم کازرون در انقلاب اسلامی و پس از انقلاب، در جنگ تحمیلی هم به خوبی دیده می شود.

غیور مردان کازرونی که همواره استعمار ستیزی و ظلم ستیزی خود را نشان داده اند، در دوران دفاع مقدس نیز تحت فرمان ولی فقیه زمان، امام خمینی (ره) از پیر و جوان و حتی نوجوان، پا به پای دریای خروشان رزمندگان روح اله از دیگر بلاد، رو به سوی جبهه ها نهادند تا نشان دهند نه صدام و نه قدرت های پوشالی حامی او هرگز نخواهند توانست در اراده ی ملت بزرگ ایران خللی ایجاد کنند. هزاران نفر از این خطه راهی جبهه شدند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بیش از ۱۱۰۰ شهید و ۲۵۰۰ جانباز تقدیم انقلاب و اسلام گردید تا هر کدام از این عزیزان سند افتخار و غیرت مردمان این مرز و بوم شوند.

جنگ نظامی پایان یافته اما دشمنان بی کار ننشسته اند و همواره سعی دارند از طرق مختلف و خصوصا ابزار فرهنگی، آن چه را که با جنگ سخت به دست نیابورند با جنگ نرم به دست آورند و مهم ترین ابزار مقابله با فرهنگ غرب، زنده نگه داشتن یاد و نام شهدا و فرهنگ شهادت طلبی و ایثار است.

در همین راستا و به منظور زنده کردن نام و یاد شهدای گردان حضرت زینب (س) و سردار رشید سپاه اسلام، شهید باقر سلیمانی، تلاشی صورت گرفته که با همکاری و همفکری

فرماندهان و یادگاران عزیز این گردان، یادواره شهدای گردان حضرت زینب(س) برگزار گردد و کتاب حاضر به عنوان محصول فرهنگی این یادواره در جهت شناخت گردان و شهدای والا مقام آن تهیه و به مردم شهیدپرور کازرون و روح بلند شهدای این گردان سرافراز خصوصا سردار شهید باقر سلیمانی تقدیم می شود.

احمد رضازاده

رئیس بنیاد شهد و امور ایثارگران

شهرستان کازرون

## پیش گفتار

تجاوز رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران یکی از طولانی ترین جنگ های قرن حاضر به شمار می آید و این جنگ در حالی بود که رژیم بعث عراق و صدام بد عاقبت، از طرف شرق و غرب و استکبار جهانی و ارتجاع عرب منطقه به شدت حمایت و پشتیبانی می شد. این جنگ تقریباً دو برابر جنگ جهانی اول، یک و نیم برابر جنگ جهانی دوم و سه برابر جنگ کره به طول انجامید.

استکبار جهانی در صدد بود تا انقلاب اسلامی ایران را سرنگون و با گسترش اسلام در جهان مقابله نماید، زیرا شعارها و آرمان های انقلاب اسلامی ایران "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" بود.

بررسی تجاوز سراسری رژیم بعث عراق از زمین و هوا و دریا به خاک جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حادثه ی بسیار مهمی است که بررسی ابعاد آن برای نسل های بعدی انقلاب حائز اهمیت و ضرورت می باشد. باید تصویر کلی از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس هشت ساله ملت بزرگ ایران را در برابر ۳۵ کشور که حمایت از رژیم بعث عراق می کردند را به جوانان برومند کشور عزیزمان و حتی جوانان کشورهای اسلامی ارائه نمود.

مردم عزیز ما به رهبری امام خمینی (ره) و رزمندگان اسلام پس از هشت سال دفاع جانانه با تقدیم شهدای گران قدر و ایثارگری رزمندگان و جانبازان و آزادگان صفحه ی زرینی در تاریخ مصور انقلاب اسلامی به ثبت رساندند.

در این میان مردم و روحانیت و جوانان خطه ی شهیدپرور کازرون و خشت و کمارج با تشکیل گردان های رزمی در دفاع مقدس با دفاع همه جانبه دین خود را به اسلام عزیز ادا نمودند و گردان حضرت زینب (س) به فرماندهی سردار رشید اسلام شهید باقر سلیمانی در دفاع مقدس حماسه های بزرگ و جاویدان آفریدند که در کتاب ..... بخش کوچکی از رشادت ها و شجاعت های جوانان و ایثارگران این منطقه ی شهیدپرور جمع آوری و تدوین گردیده است.

این جانب از دلاوری ها و رشادت های جوانان و مردم عزیز کازرون و خشت و کمارج به سهم خود قدرانی می نمایم. به ویژه از فرماندهان دلاور و رشید گردان حضرت زینب (س) در لشکر ۱۹ فجر کمال تشکر را دارم.

**سرتیپ سردار محمد نبی رودکی**

**فرمانده لشکر ۱۹ فجر در دوران دفاع مقدس**

درمیان فرهنگ و ادبیات ملل مختلف، مفهوم واژه ی جنگ، چیزی جز تباهی، خرابی، نفرت و نابودی را در اذهان پدید نمی آورد. جنگ عبارت است از مبارزه مسلحانه بین افراد جامعه، کشورها و طبقات، جهت به دست آوردن منافع و اهداف سیاسی، اقتصادی و... اما دفاع مقدس نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یک سو حالت تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته، و از سوی دیگر مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه و دارای ارزش دینی و اجتماعی است. تاریخ، جنگ ها و نزاع های مختلف و زیادی را به خود دیده و تجربه کرده است. هر چه از زمان این رویدادها بگذرد، تلخی ها و شیرینی های این حوادث کم رنگ تر به ذهن متبادر می شود. از این رو باید کوشید که روشن ترین و منصفانه ترین ابعاد این رویداد ها را قبل از فراموشی، جهت انتقال به نسل های آینده به نگارش درآورد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال (۱۳۵۷) دشمنان اسلام و انقلاب حرکت های مذبحخانه خود را در غرب کشور شروع کردند و با متشنج کردن کردستان، سعی در تفکیک این استان از کشور نمودند. اما ملت قهرمان کردستان و رزمندگان جان برکف انقلاب با تقدیم شهدای زیادی، تیر خلاص را به دشمن زدند و خواب خوش دشمن را به یأس و ناامیدی مبدل کردند. پس از سرخوردگی قدرت های استکباری از غائله ی کردستان، آنان صدام حسین را با هدف تصرف یک هفته ای ایران، وا داشتند تا جنگی تمام عیار را در نواری به طول بیش از (۱۳۰۰) کیلومتر درمرز ایران و عراق آغاز کند. در این حال خستگی از غائله کردستان، آشفته گی ارتش در زمان بنی صدر، کمبود نیرو، نبود سازماندهی جنگی و دفاعی در سپاه و هزاران مشکل دیگر، کار را برای یک دفاع همه جانبه سخت می کرد و در نتیجه از مهر سال (۱۳۵۹) تا مهر

سال (۱۳۶۰) رژیم بعث عراق توانست با بهره گیری از تمام امکانات و ادوات جنگی، بخش های گسترده ای از مناطق مرزی در غرب و جنوب غرب ایران را به تصرف در آورد.

در این مدت در حالی که چند عملیات کوچک و بازدارنده، ارتش عراق را زمین گیر کرده بود، ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، کمیته های انقلاب و بسیج مردمی شروع به سازماندهی خود نمودند. اولین گردان های عملیاتی سپاه در سوسنگرد شکل عملیاتی به خود گرفت و تیپ های سپاه در کنار ارتش، عملیات غرورآفرین طریق القدس را رقم زدند و لشکرها و قرارگاه های متعددی در قالب سپاه عهده دار حفاظت و حراست از مرزها شدند.

استان های کشور هرکدام صاحب یک یا چند لشکر و تیپ شدند که تیپ امام سجاد (ع)، تیپ (۳۳) المهدی (ع) و تیپ فاطمه زهرا (س) از آن استان فارس بود و تحت امر لشکر عملیاتی (۱۹) فجر ایفای نقش می نمودند. در سال (۱۳۶۲) تیپ های امام سجاد (ع) و فاطمه زهرا با لشکر (۱۹) فجر ادغام گردیدند و در قالب لشکر عملیاتی (۱۹) فجر ادامه ی ماموریت دادند. و تیپ المهدی (ع) به لشکر مستقل (۳۳) المهدی از فارس تبدیل و ادامه کار داد.

یکی از گردان های با سابقه و عملیاتی که تا آن زمان خدمات شایسته ای به دفاع مقدس ارائه کرده بود و در عملیات های آفندی و پدافندی خوش درخشیده بود، گردان عملیاتی (۹۰۸۱) به فرماندهی شهید احد طاهری از کازرون بود. بعد از درخشش این عزیزان و با نام گذاری گردان های جدید و ثابت در لشکر، سهم کازرون در جنگ، همین گردان شد که بانام جدیدگردان حضرت زینب (س)، وبه فرماندهی سردار رشید سپاه اسلام، شهید باقر سلیمانی مشغول ادامه خدمت شد و باید گفت تا تاریخ زنده است، دفاع مقدس، نام کازرون، نام شهید باقر سلیمانی و نام گردان حضرت زینب (س) همواره زنده است.

دکتر حبیب الله (کاظم) پدیدار

فرمانده گردان حضرت زینب (س) در دوران دفاع مقدس

## فصل اول

## تاریخچه

## شکل گیری سازمان های رزم در استان فارس

با اعزام روز افزون داوطلبان ایثار و فداکاری از استان فارس و پیوستن آن ها به خیل عظیم کفرستیزان جبهه های نبرد حق علیه باطل، خصوصاً بعد از عملیات فتح بستان فقدان یک تشکیلات نظامی به منظور سازمان دهی نیروها آشکارتر گردید و فرماندهان سپاه در جنوب را بر آن داشت که برای رفع این مشکل، نیروهای اعزامی را در قالب گردان های رزمی سازمان دهی نمایند، لذا به دنبال تحقق این امر با مشخص شدن پایگاه شهید بهشتی اهواز به عنوان مقر نیروهای فارس و سازمان دهی آنها تحت عنوان تیپ ها و گردان های رزمی و پشتیبانی رزمی، به این نابسامانی ها خاتمه داده شد.

### شکل گیری لشکر پیاده (۱۹) فجر

به منظور ایجاد انگیزه و احساس مسئولیت بیشتر نیروها در بروز شایستگی های فردی خود و در نتیجه تامین کادر مورد نیاز یگان ها و گردان ها تصمیم گرفته شد که مسئولیت مستقیم تشکیل و پشتیبانی گردان های رزمی استان به عهده شهرستان های معین فارس واگذار گردد که شهرستان کازرون جهت تکمیل نیروی انسانی و پشتیبانی از گردان های تیپ فاطمه زهرا- (س) و شهرستان های دیگر جهت تکمیل نیروی انسانی گردان های تیپ (۳۵) امام سجاد (ع) و تیپ (۳۳) المهدی (عج) تعیین گردیدند. لذا پس از اتمام عملیات والفجر یک، لشکر (۱۹) فجر، تیپ امام سجاد (ع) و تیپ المهدی (عج) تشکیل گردید و به دنبال انسجام سازمان و حضور موثرتر رزمندگان استان فارس در عملیات های دفاع مقدس، فرماندهی لشکر عملیاتی (۱۹) فجر را به برادر حاج محمد نبی رودکی و فرماندهی تیپ (۳۳) المهدی (عج) را به سردار حاج محمد جعفر اسدی سپردند. مسئولیت فرماندهی این دو یگان قدرتمند به آن دو سرداران



شجاع محول گردید و با اعلان این مطلب شورای فرماندهی، مسئولین واحد و فرماندهان گردان های لشکر ۱۹ فجر معرفی شدند.

### طرح تشکیل گردان های ثابت در لشکر (۱۹) فجر

پس از گذشت مدت کوتاهی از ادغام و تشکیل لشکر نوزده فجر به منظور تقویت سازمان رزم، گردان های آن با اجرای طرح و العاصفات و اعزام دوپنجم از نیروهای پاسدار به یگان های رزم و اضافه شدن آنها به سازمان رزم لشکر، طرح گردان های ثابت مطرح گردید و با تصویب آن پس از ارزیابی و مشخص شدن جایگاه نیروهای اعزامی به عنوان کادر گردان ها، لشکراز بین گردان- های متعدد و متنوع که با شماره های (۹۰۰۱) شروع شده بود و تا (۹۰۹۰) هم ادامه پیدا کرده بود، موفق به راه اندازی (۹) گردان ثابت شد. با همت و تلاش فراوان مجموعه برادران عملیات و نیروی انسانی و با مشخص شدن تعدادی از کادر لشکر به عنوان فرماندهان گردان های نه گانه و واگذاری کادر و امکانات لازم به آنها این گردان ها عملاً فعالیت خود را آغاز کردند. یکی از گردان های فعال و پر انرژی که قبل از تشکیل گردان های ثابت در لشکر می درخشید و عملکرد بسیار خوبی از خود به جای گذاشته بود گردان (۹۰۸۱) بود.

### گردان ۹۰۸۱

این گردان در اواخر شهریور سال (۱۳۶۲) با حضور تعدادی از برادران کادر و بسیجی فعال کازرونی و غیر کازرونی به فرماندهی سردار شهید احد طاهری پور و جانشینی حاج محسن رستمیان شکل گرفت. در مدت کوتاهی که از عمر این گردان گذشت، خدمات بسیار زیادی از جمله حضور در عملیاتهای آفندی و پدافندی، بویژه پدافند در خط زیبدات عراق از سوی این گردان ارائه گردید.

## شکل گیری گردان حضرت زینب (س)

به جهت تقویت بنیه پرسنلی و پشتیبانی و طی جلسات متعددی که در قرارگاه قدس استان فارس و مقر لشکر نوزده فجر انجام گرفت، طرح ثابت شدن گردان ها و پشتیبانی شهرستان- های استان فارس مطرح شد، که با هماهنگی فرمانده لشکر (۱۹) و اعضای شورای آن، هسته مرکزی ارکان گردان ها مشخص و ضمن آموزش لازم شهرستان هایی که آمادگی خود را اعلام کرده بودند، این گردان ها یکی پس از دیگری به شهرستان های فارس واگذار گردید. گردان ۹۰۸۱ که عمده نیروهای آن از پاسداران و بسیجیان فعال کازرون بودند در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۲ توسط فرمانده لشکر، برادر حاج نبی رودکی با نام جدید گردان حضرت زینب(س) به فرمانده این گردان، سردار رشید سپاه اسلام شهید باقر سلیمانی واگذار گردید.

## فصل دوم

### عملکرد

## بخش اول: فرماندهی شهید باقر سلیمانی

بعد از معرفی شهید باقر سلیمانی به عنوان فرمانده گردان، ایشان با کمک دوستان و هم‌زمان خود، اقدام به جذب نیروهای زنده و عملیاتی از برادران پاسدار و بسیجی نمودند. پس از تکمیل کادر گردان، آموزشهای متنوع و مورد نیاز جنگ را در مقرهای مختلف آموزشی از جمله شهرستانهای تهران، شیراز و بوشهر شروع کرده و گردان را جهت انجام ماموریت‌های جنگی و رزمی به صورت صد در صد آماده نمودند.

### عملیات خیبر و خطوط پدافندی جزیره مجنون

پس از گذشت ۱۳ ماه حضور گردان در خطوط پدافندی و با شروع فرماندهی شهید باقر سلیمانی، ماموریت جدید عملیات خیبر شروع شد. گردان حضرت زینب همانند دیگر گردان‌های آماده انجام عملیات شد. بعد از شرکت گردان حضرت زینب در احتیاط و ماموریت پدافندی از جزایر مجنون شمالی و جنوبی در عملیات خیبر که به آن واگذار شده بود، ماموریت لشکر (۱۹) با رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ی خود یعنی جلوگیری از پاتک دشمن بعثی به جزیره ی مجنون در عملیات خیبر پایان یافت. با گذشت مدت زمانی از عملیات خیبر در حالی که هنوز استفاده از پل خیبری در جزایر مجنون آغاز نشده بود تعدادی از مسؤولان لشکر (۲۱) حمزه ارتش جمهوری اسلامی به فرماندهی سرهنگ سلیمانجا به اتفاق سردار محمد نبی رودکی جهت تحویل خط وارد منطقه عملیاتی و جزایر مجنون شدند و پس از شناسایی مسؤولان دو لشکر، قسمتی از خطوط به استعداد یک گردان را تحویل گرفته و پیرو آن گردان حضرت زینب (س) به فرماندهی سردار شهید باقر سلیمانی در تاریخ (۱۵) فروردین سال (۱۳۶۳) در سمت چپ جاده ی اصلی جزیره ی مجنون مستقر شد. ولی به علت وجود آب در اطراف جزیره و خطر طغیان و جاری شدن آن به جزیره، این گردان به لشکر ۱۴ امام حسین (ع) مامور شده و از حالت عملیاتی به حالت مهندسی بر گشت و با تلاش بی وقفه

نیروهای گردان، با انبوه گونی های پر از خاک، دیواره ای ایجاد کردند که جلوی نفوذ آب به داخل جزیره مجنون گرفته شود. در این حال، نیروهای گردان حضرت زینب (س) زیر شدیدترین بمباران های شیمیایی و بی سابقه دشمن قرار گرفته و تلفاتی را متحمل گردید

### پدافند در محور آبادان و جزایر مجنون

اواخر خرداد سال (۱۳۶۳) قرار بود عملیاتی تحت امر قرارگاه نوح (ع) از جزیره ی مینو تا خسروآباد انجام شود، لذا نیروها و گردان های لشکر نوزده فجر از جمله گردان حضرت زینب- (س) به طور مداوم کار کرده، آموزش ها و مانورهای پی در پی انجام می دادند. از جمله مانور سنگینی در (۳۰) ام تیر ماه با شرکت سه گردان پیاده و یک گروهان ضد زره در کنار رود کارون به منظور آزمایش پل های نفر بر آلومینیومی از ابتکارات مهندسی رزمی لشکر، انجام شد. اما این عملیات توسط قرارگاه جنگ جنوب لغو گردید. در همین ایام لشکر (۱۹) فجر علاوه بر حفظ و ماموریت در خط پدافندی آبادان، خطوط پدافندی ضلع جنوبی جزیره ی مجنون شمالی و ضلع شمالی جزیره ی مجنون جنوبی و ضلع شمال غربی جزایر مجنون را توسط گردان های حضرت زینب (س) و دیگر گردان های لشکر (۱۹) فجر به عهده داشت.

### اعزام به منطقه ی سومار

در نیمه ی بهمن سال (۱۳۶۳) فرماندهان و نیروهای گردان حضرت زینب (س) همراه با کلیه- ی فرماندهان گردان و مسؤولان واحدهای لشکر اعزام سومار (غرب کشور) شده، گردان های لشکر در منطقه ی سر پل ذهاب و در پادگان ابوذرا استقرار یافتند. در (۲۱) بهمن ماه مقرر شد که گردان های لشکر نوزده فجر در سومار، تک پشتیبانی - از عملیات بزرگ بدر- در جنوب را انجام دهند، اما در حالی که گردان های لشکر خصوصاً گردان حضرت زینب (س) به شدت

مشغول آماده سازی نیروهای خود بوده و همه چیز برای عملیات تقریباً آماده می شد، اتفاقات خاصی رخ داد و در ۴ اسفندماه در حالی که سردار رودکی به اتفاق سردار شهید باقر سلیمانی و فرماندهان گردان و واحدهای عملیاتی مشغول توجیه نیروها در دیدگاه «انگشتی» بودند با اصابت گلوله ی خمپاره تعدادی از فرماندهان لشکر شهید و زخمی شدند و ایشان نیز از ناحیه ی دست مجروح گردید. با جایگزینی دیگر فرماندهان این مشکل برطرف شد، لیکن شدت آتش دشمن به حدی بود که سردار رشید اسلام حمید شبانپور، معاون شهید باقر سلیمانی، و گردان حضرت زینب (س) پشت ارتفاع کله شوان بر اثر ترکش در تاریخ ۶۳/۱۲/۹ به شهادت رسید.

### بمب باران پادگان ابوذر

خبر ازدحام رزمندگان اسلام توسط نیروهای ستون پنجم به نظامیان عراقی داده شد و در تاریخ (۱۶) ام اسفند (۱۳۶۳) پادگان ابوذر که در خارج از شهر سرپل ذهاب استان کرمانشاه و یکی از مقرهای اصلی رزمندگان اسلام در غرب کشور بود، توسط هواپیماهای عراقی بمب باران گردید و تلفات و خسارات بسیاری به بار آمد. از جمله پنج نفر از رزمندگان بسیجی گردان حضرت زینب (س) به نام های شهیدان محمد خادم پیر، ضرغام توکلی، داریوش اژدهاکش، اکبر علی پور، حبیب الله دهقانی و حمید کایدی به شهادت رسیدند. این در حالی بود که جمع کثیری از رزمندگان شهرستان کازرون را که در قالب لشکر (۳۳) المهدی و لشکر (۱۹) فجر از جبهه ها به پادگان اعزام شده بودند قبلاً از پادگان خارج کرده بودند.

با توجه به حضور مقتدرانه گردان های لشکر فجر و دیگر یگان های سپاه و ارتش در منطقه ی سومار و جلب توجه عراق به این محور و گسیل نیروهای عراقی در منطقه با توجه به اظهار نظر سردار سپاه اسلام سردار رحیم صفوی در قرارگاه نجف، طرح مانور فریب لشکر فجر موفق بوده است. لذا یگان بنا به دستور سردار محسن رضایی جهت آمادگی عملیات بدر از غرب به جنوب کشور انتقال یافت و ضمن حضور در جزایر مجنون و محور طلائیة و انجام امور شناسایی،

پشتیبانی آبی خاکی، ترابری و بریدن چولان ها و ایجاد یک آب راه باریک به عرض یک متر و طول چندین کیلومتر ماموریت مربوطه را انجام داده، به علت شرایط پیش آمده در عملیات بدر شرکت نکرد و نهایتاً این عملیات به دلیل عدم داشتن عقبه و آب راه مناسب و حساس شدن دشمن لغو گردید.

## عملیات والفجر ۸

یکی از افتخارات گردان حضرت زینب (س) شرکت در عملیات غرورآفرین والفجر (۸) است. از آنجا که این عملیات از ویژگی های خاصی برخوردار بود حدود دو ماه قبل از عملیات، گردان حضرت زینب به همراه دیگر گردان های لشکر، تحت آموزش های مورد نیاز قرار گرفتند.

بعد از ابلاغ دستور عملیاتی از طرف قرارگاه نوح نبی به فرماندهی لشکر نوزده فجر، وظایف گردان ها و واحدهای عملیاتی توسط فرمانده لشکر، سردار حاج محمد نبی رودکی مشخص شد و مسؤولیت گردان حضرت زینب (س) با فرماندهی برادران، سردار شهید باقر سلیمانی، رضا شریفی و ابراهیم عسکری بعد از عبور از اروند رود، اجرای عملیات در میان محور سمت راست و چپ، گرفتن جاده وسط نخلستان و پاکسازی کامل آن تعیین گردید.

بعد از عبور سخت و طاقت فرسای غواصان دریا دل از اروند رود و رسیدن به ساحل آن و گرفتن خطوط دفاعی دشمن که منجر به شهادت بسیاری از عزیزان رزمنده و فرماندهان گروهان ها و حتی مفقود شدن تعدادی از آن جان برکفان گردید، گردان های لشکر از محورهای سمت راست و چپ یکی پس از دیگری و با دادن تلفات و شهادت عزیزان بسیجی و پاسدار بر مواضع تعیین شده ی خود فائق آمده، گردان حضرت زینب (س) هم در جناح محور چپ و هم میانی، پس از پاک سازی خطوط مربوطه با حرکت به سوی نخلستان ها به طرف جاده ای که از پشت خطوط دشمن می گذشت به پیشروی خود ادامه داده و در موضع مشخص شده پدافند نمودند.

در ادامه عملیات، به گردان حضرت زینب(س) ابلاغ می گردد تا مقرر فرماندهی یکی از تیپ-های عراقی که در سمت راست گردان بوده و سقوط نکرده، تصرف نماید. شهید باقر سلیمانی و دیگر فرماندهان گردان با تدبیر خاصی مقرر فرماندهی تیپ دشمن را محاصره و آماده حمله به مقرر می شوند. در این هنگام گلوله خمپاره ای بالای سر این فرمانده دلاور منفجر می شود. گویی این گلوله مأموریت دارد تا جسم کوفته و خسته این عزیز را در فاو و در حال تصرف مقرر فرماندهی دشمن به آسمانها پرواز دهد تا روح بلندش از عرش شاهد پیروزی ها و موفقیت همزمانش در فرش باشد. خون باقر زمین فاو را رنگین و ترانه پیروزی را برای همزمان خود سرود. پس از شهادت ایشان، مقرر تیپ توسط رزمندگان گردان، فتح و انتقام سختی از دشمن گرفته شد.

لازم به ذکر است که همزمان با پیش روی رزمندگان اسلام بلافاصله به وسیله ی لودرهایی که از دشمن غنیمت گرفته شده بود، عملیات آماده سازی سواحل شروع شد و پشتیبانی لازم با سرعت هر چه تمامتر از واحدهای عمل کننده صورت پذیرفت. بدین ترتیب لشکر(۱۹) فجر اولین یگانی بود که موفق شد خودروهای خود را از ارون رود به پشت خطوط دشمن عبور دهد.



## بخش دوم: فرماندهی دکتر حبیب الله (کاظم) پدیدار

پس از شهادت سردار باقر سلیمانی در عملیات والفجر (۸)، فرماندهی گردان به دکتر پدیدار واگذار گردید. وی در یک بازه ی دو ماهه پس از عملیات، گردان و کادر گردان را سر و سامان داده، آماده ی ماموریت نمود. برادر حاج سیروس شریفی جانشین وقت شهید باقر سلیمانی و تعدادی از مجروحان عملیات والفجر ۸ نیز پس از گذراندن دوران نقاهت به جمع همزمان خود در گردان پیوستند.

### دفاع پاتک دفاع متحرک عراق

در (۲۳) ام اردیبهشت سال (۱۳۶۵) عراقی ها به جهت تجزیه ی نیروهای سپاه اسلام و تصرف بخشی از خاک جمهوری اسلامی، سناریوی دفاع متحرک را استراتژی خود قرار داده، در چند منطقه اقدام به حمله نمودند. یکی از این مناطق محور پیچ انگیزه (منطقه بجیله) بود. پس از این اقدام عراق، قرارگاه نوح، به لشکر (۱۹) فجر ماموریت داد تا از حمله ی عراقی ها جلوگیری نموده، آنها را از منطقه اشغالی خارج نمایند. لشکر (۱۹) فجر سه گردان خود را از جمله گردان حضرت زینب به عین خوش انتقال داد.

گردان های لشکر با تمامی قدرت خود وارد عمل شدند و ظرف مدت کوتاهی دشمن متجاوز را به عقب راندند و ضمن جلوگیری از پیش روی و تصرف خطوط دفاعی رزمندگان، تعداد زیادی از آنان را کشته و آنان را به خطوط قبل از دفاع متحرک برگرداندند.

### ماموریت و پدافند در قصر شیرین

در تاریخ (۶۵/۲/۲۷)، جهت جلوگیری از تحرکات بعدی عراق و پخش شایعه ای مبنی بر قصد تصرف قصر شیرین توسط عراقی ها، گردان حضرت زینب (س) به مدت (۴۵) روز به تیپ نبی اکرم مامور گردید. گردان در مدت ماموریت خود وظیفه حفظ و حراست از خطوط پدافندی

قصر شیرین و سرپل ذهاب به عهده داشت که با جانفشانیها و مقاومت دلیرمردان گردان این مهم به بهترین وجه ممکن و با کمترین تلفات صورت پذیرفت. پس از (۴۵) روز استقرار در قصر شیرین و سرپل ذهاب و اطمینان از عدم حمله دشمن به قصر شیرین و پایان ماموریت، گردان به اهواز برگشت.

## کرمانشاه - طاق بستان

در مرداد ماه سال ۱۳۶۵ گردان به کرمانشاه اعزام شد. قرار بود به کمک تیپ تازه تاسیس امام حسن (ع) بروند و در عملیات پیش رو شرکت نمایند. اما به دلایلی عملیات لغو گردید و گردان پس از مدتی حضور در منطقه و آمادگی، با هماهنگی لشکر و تیپ امام حسن (ع) به اهواز برگشت.

## عملیات کربلای ۴

عملیات کربلای ۴ در تاریخ (۱۳۶۵/۱۰/۳) در سه محور ۱- شلمچه در شمال غربی خرمشهر ۲- ام الرصاص و ابوالخصیب در مقابل خرمشهر و ۳- مینوی آبادان به منظور آماده سازی مقدمات فتح بصره با رمز "محمد رسول الله" انجام گرفت که محور عملیاتی لشکر (۱۹) فجر و تیپ (۵۷) ابوالفضل لرستان در این عملیات محور (۱) یعنی شلمچه بود. این محور قبل از عملیات پدافند در اختیار نیروهای ارتش بود. بچه های اطلاعات گردان حضرت زینب (س) دومه قبل از عملیات کار شناسایی را شروع کردند و با رعایت کلیه موازین اطلاعاتی و امنیتی موفق شدند، چند معبر جهت انجام عملیات شناسایی و آماده کنند. گردان حضرت زینب (س) با فرماندهی حاج کاظم پدیدار با سه گروهان به فرماندهی برادران صالح نظروند، هرمز دهقان و آیت طاهری با قایق ها و پی ام پی های از قبل تدارک دیده شده، در دو محور سمت راست پاسگاه کوت سواری و سمت چپ این پاسگاه به سمت خط دشمن حرکت کرد. لشکر (۱۹) فجر و تیپ ۵۷ ابوالفضل در ساعات اولیه عملیات به اهداف از پیش تعیین شده رسیدند. ساعت ۵ صبح و در

حالی که گردان در محور سمت چپ پاسگاه کوت سواری در قلب دشمن مشغول پیش روی بود ناگهان ورق برگشت و نیروها شروع به برگشتن نمودند. بیسیم چی فرمانده با تیر مستقیم عراقی ها شهید شد و بیسیمش هم از کار افتاد. ارتباط حاج کاظم پدیدار با فرماندهی قطع شده بود. تا ساعت ۸ صبح در حال نبرد رو در رو بودند، ساعت ۸ صبح عراقی ها باتمام قوا و نیروهای جدید وارد کارزار شدند. می خواستند عقبه ی گردان را ببندند که با مقاومت بچه های گردان رو به رو شدند. پس از آن نیروهای گردان به عقب برگشتند و متوجه شدند که از ساعت ۵ صبح به دلیل عدم موفقیت دو محور دیگر در سمت ابوالخصیب و جزیره مینو به گردان نیز دستور عقب نشینی داده بودند و گردان ناخواسته مقابل عراقی ها جنگیده بود تا سایر رزمندگان راحت تر عقب نشینی کنند و دشمن نتواند با دور زدن نیروها، کشته و اسیر بگیرد. مبارزه، مقاومت و جنگ رو در رو با بعضی ها در این خط موجب گردید تا تعدادی از عزیزان گردان از جمله شهید محمد رحیم حق شناس، شهید حشمت اله دهقان و دانشجوی پاسدار شهید علی نقی ابونصری که ناجی نیروها در برگشت بودند، به درجه رفیع شهادت نایل گردند.

## عملیات کربلای ۵ مرحله اول

عملیات کربلای (۵) ششمین عملیات نیروهای اسلام به قصد تصرف بصره محسوب می گردد. این عملیات در تاریخ (۶۵/۱۰/۱۹) با رمز "یا زهرا" در محور شلمچه، شمال غربی خرمشهر، یعنی همان محور لشکر (۱۹) فجر در عملیات کربلای (۴) انجام شد بعد از عدم موفقیت کلی در کربلای (۴)، مسؤولان با گرفتن جلسات مکرر و برآورد نقاط قوت و ضعف عملیات کربلای (۴) به این نتیجه رسیدند که از نقطه قوت آن عملیات یعنی محور شلمچه که موفق عمل شده بود برای اجرای عملیات بعدی استفاده شود. با توجه به اقدامات زیر ساختی لشکر (۱۹) فجر در عملیات کربلای (۴) و شناسایی معابر مختلف و موفق، لشکر (۱۹) فجر در نوک پیکان عملیات قرار گرفت.

لشکر (۱۹) فجر به روال کربلای (۴) و با همان غواص ها شب هنگام به قلب دشمن زد. بر عکس عملیات کربلای (۴) به دلیل مهتابی بودن شب، غواص ها با کمترین تلفات خطوط دشمن را تصرف نمودند و یگان ها یکی پس از دیگری وارد میدان شدند و از غواص ها عبور کردند. گردان حضرت زینب (س) به فرماندهی حاج کاظم پدیدار، قرار بود با سه گروهان، سه مقر فرماندهی دشمن را شبانه تصرف نماید که به دلیل ازدحام نیرو و ترافیک حاصل از یگان ها تا صبح به اهداف خود دست نیافتند.

ساعت ۸ صبح رو به روی مقرها موضع گرفتند. ابتدا برادر قاسم سلطان آبادی جانشین لشکر دستور حمله به مقرها را صادر کرد. سپس برادر هاشم اعتمادی گردان را به سمت مقر فرماندهی تیپ که مقاومت می کردند، برد و در نهایت لشکر (۱۹) فجر با سختی های زیاد و تلاش مضاعف موفق شد، دشمن را در پنج ضلعی دور زده و با وجود آتش بی حد و حصر دشمن خود را به پشت آنان برساند. پس از گذشتن از میدان مین و سیم های خاردار، با یک یورش هماهنگ مقر تیپ اشغال شد. تعدادی از عراقی ها فرار کردند و حدود چهل نفر به اسارت درآمدند. به علاوه مقادیری سلاح و امکانات و اقلامی مانند تلویزیون، یخچال، ویدئو و... مربوط به فرماندهی به غنیمت گرفته شد. (نقش شهید هاشم اعتمادی در این پیروزی ستودنی است). روز بعد نیرو های لشکر در پشت پل ده دهانه ی پنج ضلعی مستقر شدند و پاتک سنگین دشمن را دفع کردند. گردان، پس از پنج روز درگیری بی امان با دشمن به اهواز برگشت. در این مرحله فرمانده گردان و تعدادی نیروها به تفحص پیکر شهدای کربلای (۴) پرداختند و موفق شدند تعدادی از شهدا از جمله شهید ابونصری و شهید حق شناس را به عقب برگردانند.

## عملیات کربلای ۵ مرحله دوم

پس از مرحله اول عملیات کربلای (۵)، گردان حضرت زینب (س) به دستور فرمانده لشکر به عنوان گردان خط شکن با وجود آتش باران شدید دشمن، راهی میدان شد. با صدور فرمان

حمله از سوی فرمانده لشکر، حاج کاظم نیز فرمان حمله به نیروها را صادر کرد. از این میان دو گروهان به فرماندهی شهید هرمز دهقان و برادر نجف امین افشار با سازمان دهی منظم و اهداف از پیش تعیین شده، با یورش به خط دشمن و گرفتن تلفات از آنها، دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند. این در حالی بود که شب قبل همین خط با تعداد زیادی شهید توسط لشکر (۱۴) امام حسین (ع) شکسته نشده بود.

منطقه عملیات مملو از نخل هایی بود که استتار را برای دشمن آسان و کار عملیات را برای نیروهای گردان سخت می نمود. گردان با کمک شهید هاشم اعتمادی مسئول وقت محور، توانست بیش از حد تصور فرمانده لشکر موفق عمل نماید و خطوط دفاعی دشمن را در شهرک دوعیجی و نهر هسجان تصرف نماید.

پس از آن نیروهای گردان به دژ دشمن دست پیدا کردند و راه فرار را بر دشمن بستند و دشمن مجبور شد از جناحین به سمت بصره فرار کند. آرایش و استقرار نظامی نیروهای گردان به گونه ای بود که کاملاً بر دشمن مسلط بود و حتی تانک ها و خودروهایی که قصد عقب نشینی داشتند، نیز مورد هدف آر پی جی زن ها قرار می گرفتند.

در این حال فرمانده گردان، حاج کاظم پدیدار، مأموریت هر گروهان را مشخص کرد و اعلام نمود که از خطوط فتح شده محافظت کنید و خود به دنبال زدن خاکریز بود که با آمدن یک لودر و یک بولدوزر این اتفاق افتاد و با مشقت بسیار و زیر آتش سنگین دشمن، شبانه خاکریز زده شد.

ساعتی بعد در حالی که نیروها در حال چیدمان در پشت خاکریز بودند، پاتک سنگین دشمن شروع شد. اما این بار نیز با فداکاری و از جان گذشتگی نیروهای گردان حضرت زینب (س) متحمل شکست شدند و به عقب برگشتند. این در حالی بود که شهید هرمز دهقان و تعداد اندکی نیرو پشت خاکریز بودند و دشمن تا پشت خاکریز پیش آمده بود.

فرمانده و آریبی جی زن ها مشغول آر پی جی زدن و انهدام تانک های دشمن شده بودند، به حدی که بر اثر شلیک زیاد آر پی جی هفت، از گوش فرمانده خون جاری شده بود و شانه- هایش را رنگین کرده بود. پس از دفع پانک تانکها، عراقی ها اقدام به حمله زمینی نمودند که این مهم نیز با تدبیر نیروهای زنده گردان منجر به شکست گردید و دشمن با تلفات زیاد فرار را بر قرار ترجیح داد.

اگر آن روز مقاومت حاج کاظم پدیدار و بچه‌های گردان حضرت زینب (س) نبود مطمئناً عراق منطقه را با تلفات زیادی پس می گرفت. البته ناگفته نماند که حاج منوچهر رنجبر، فرمانده گردان سمت چپ و بچه‌های گردانش در حفظ خط و تکمیل این مقاومت تلاش زیادی کردند و تلاششان قابل تقدیر بود. مقاومت ادامه داشت، در نیمه‌های شب و قبل از طلوع آفتاب، نیروهای کمکی رسیدند و خط را تحویل گرفتند. در این مرحله شهید هاشم اعتمادی فرمانده تیپ امام حسن(ع) و مسئول وقت محور و محمد غیبی و جانشین وقت گردان برادر هرمز دهقان پس از رشادتها و فداکاریهای زیاد به فیض عظیم شهادت نایل گردیدند

## عملیات کربلای ۵ مرحله سوم

با آخرین سازماندهی و هماهنگی مجدداً با جانشین اول فرماندهی برادر صالح نظروند و فرمانده گروهان های جدیدتر، یعنی برادران نجف امین افشار، غلامعلی جوکار و شهباز حبیبی در تاریخ سه شنبه (۶۵/۱۲/۱۴) حرکت به سمت شلمچه آغاز شد قرار شد گروهان های نجف و غلامعلی در ابتدا وارد خط جهت عملیات شوند و گروهان شهباز با جانشین دوم گردان، برادر حاج قدرت جوکار در تاکتیکی بماند. حاج کاظم و پیک‌هایش زودتر از دیگران وارد منطقه نبرد شدند تا محل دقیق استقرار مشخص گردد. در این مرحله مقرر گردید گردان پس از شکستن خط توسط لشکر ۱۰ سید الشهدا ادامه عملیات نماید که گردان علی اکبر لشکر ۱۰ سید الشهدا موفق به شکستن خاکریز دشمن نگردید.

در یک هوای بارانی و زمین گل الود، گردان بخشی از ماموریت لشکر ۱۰ سیدالشهدا را انجام داد و در کانال پرورش ماهی موضع گرفت. دشمن ساعت ۵ عصر شروع به پاتک نمود و سنگین ترین آتش تهیه خود را برای تصرف کانال پرورش ماهی روی نیروهای گردان ریخت، لیکن به لطف حضرت حق و مقاومت نیروها موفق به باز پس گیری کانال پرورش ماهی نگردید. در این مرحله شهید علی اکبر توفیقی و شهید کریم بادپیما بر اثر اصابت گلوله آربی جی هفت دشمن شهید شدند و برادر حاج قدرت جوکار نیز در شناسایی سخت مجروح گردید. در پایان شب یکی از گردانهای لشکر (۴۱) ثارالله آمد و با کمک بچه های گردان ادامه عملیات داد و گردان پس از چند روز درگیری و خستگی های مبارزه با دشمن به عقب برگشت.

## عملیات کربلای ۸

در تاریخ ۱۸ ام فروردین سال (۱۳۶۶) عملیاتی با رمز مبارک "یا صاحب الزمان (عج)" و با هدف انهدام نیروهای دشمن و تحکیم مواضع بدست آمده در عملیات کربلای (۵)، به مدت پنج روز در منطقه عملیاتی شرق بصره توسط رزمندگان اسلام در نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و گردان حضرت زینب (س) آماده عملیات در این منطقه گردید. اما به دلایل مختلفی به حضور گردان در عملیات نیاز نشد و صبح با کلیه نیروها به مقر قبلی خودشان برگشتند.

## عملیات نصر ۴ (ماووت)

حاج کاظم بعد از برگشت از ماموریت، به اتفاق معاونت ها و ارکان لشکر جهت ادامه عملیات نصر (۴) که در تاریخ (۶۶/۳/۳۱) صورت گرفته بود، به سمت بوالحسن واقع در فیما بین بانه و سردشت حرکت کرد. بنه ی تدارکاتی برقرار و همه منتظر دستور عملیات بودند. عملیات به دلایل مختلف و نامعلومی لغو گردید.

## پدافند در شلمچه (مرحله اول)

چهار روز بعد از آموزش های نظامی و ایجاد آمادگی های لازم، گردان حضرت زینب(س) به صورت غیر منتظره، با سه گروهان به فرماندهی برادران خداخواست دهقان، صباغیان و پهلوانی، جهت پدافند به خط شلمچه، یعنی همان خطوطی که در عملیات کربلای (۵) تصرف شده بود، اعزام شد.

گردان مدت نزدیک به یک ماه در خط پدافندی بود که ضمن دفاع از این خط، بر اثر آتش سنگین دشمن برادران آیت مالکی و فریدین ایزدی شهید و برادر حسینعلی ریحانی سخت مجروح گردیدند.

## پدافند در شلمچه (مرحله دوم)

گردان های لشکر، یکی پس از دیگری مشغول دفاع از خطوط پدافندی و متصرف شده در عملیات کربلای ۵ بودند. پس از ماه ها آموزش و آمادگی نوبت به گردان حضرت زینب (س) رسید و این گردان در تاریخ (۶۶/۷/۲۰) جهت پدافند، عازم شلمچه گردید. در این مرحله، برادران سید نجیب بازیار، علی رضا صباغیان و حمید رنگین کمان به عنوان فرمانده گروهان های گردان انجام وظیفه می نمودند. با کادر جدید و پرسنلی که بیش تر کازرونی بودند، برای انجام دومین مأموریت پدافندی خود در سال (۱۳۶۶) مشغول شدند.

اولین یگان مستقر در شلمچه از سمت ارون رود لشکر (۳۳) المهدی به فرماندهی برادر اسدی بود. پس از لشکر المهدی، لشکر (۱۹) فجر، ۳ کیلومتر خط پدافندی را در این منطقه تحویل گرفته بود. گردان ها یکی پس از دیگری باید به نوبت در این خط پدافندی مستقر می شدند و از کبان جمهوری اسلامی و دستاوردهای عملیات کربلای ۵ دفاع می کردند.



گردان حضرت زینب(س) هم از این قاعده مستثنی نبود. فرماندهی گردان و فرماندهی گروهان‌ها باید یکی دو روز قبل از تحویل خط جهت هماهنگی به شلمچه می رفتند. هماهنگی‌ها صورت گرفت. محدوده‌ی گروهان‌ها و دسته‌ها در خط مشخص گردید. شبانه و با استفاده از تاریکی شب نیروها را با خودرو توپوتا به خط بردند. در سکوت و تاریکی مطلق که گاهی با منورها و انفجار خمپاره‌ها در هم شکسته می‌شد نیروها را پیاده کردند و جا به جایی صورت گرفت. قریب دو ماه حضور در خط پدافندی شلمچه یادآور خاطرات تلخ و شیرین از دوران پدافند گردان است که برای همیشه در اذهان رزمندگان گردان جلودان خواهد ماند. شهرک ۶۰، پیچ مرگ، تونل شنی، آتش بازی در خط، اجساد عراقی و لاله زار برادر سید مصطفی ساجدی از جمله خاطرات حضور دو ماهه در خط پدافندی شلمچه است، باید در وقت و جای خودش به آنها پرداخته شود.

نهایتاً خط شلمچه با تمام فراز و فرودهایش در تاریخ (۶۶/۹/۱۸) تحویل گردان امام محمد باقر(ع) گردید.

## عملیات ایذایی فاو

بعد از پدافند در شلمچه مجدداً فرصتی پیش آمد تا گردان خودش را جهت عملیات پیش رو آماده نماید. لیکن به دلیل کمبود نیرو این توفیق میسر نگردید. با این همه کادر گردان مشتاق و علاقه مند به جمع آوری نیرو و آماده نمودن گردان بودند.

در اوایل بهمن ماه طی یک برنامه ریزی مقرر گردید در فاو عملیاتی توسط لشکر صورت پذیرد. به همین جهت و با توجه به این که گردان نیرو نداشت، حاج کاظم با سمت مسؤوول سازماندهی گردان‌های عمل کننده معرفی گردید. مدتی با فرماندهان جهت کار شناسایی به فاو و خطوط مقدم فاو تردد داشتند. در این مرحله برای اولین بار بچه‌های اطلاعات از دوربین‌های مدار بسته استفاده می کردند. چندین بار به سمت این دوربین‌ها رفتند. دوربین‌های فیلم برداری با

لنز قوی را بالای دکل کار گذاشته بودند و از پایین آن را به سمت چپ و راست و یا خط اول و دوم دشمن می چرخاندند و در تلویزیون پایین دکل تصویرها را مشاهده می کردند. با این که ابتکار جدید و خوبی بود ولی همیشه به دلیل مه گرفتگی و غبار موجود در منطقه، دیده بانی آن چنان که مطلوب و مورد دلخواه بود انجام نمی گرفت. بعد از مدتی برنامه ی کار گردان در فلو لغو گردید و اهداف لشکر متوجه منطقه غرب کشور جهت انجام عملیات والفجر ۱۰ گردید.

## عملیات والفجر ۱۰

بعد از لغو عملیات ایندایی فلو لشکر نیروهایش راجهت انجام عملیات والفجر ۱۰ به مریوان اعزام نمود. گردان به دلیل نداشتن نیرو نتوانست در عملیات شرکت نماید لیکن فرمانده گردان برادر دکتر پدیدار و جانشین ایشان برادر حاج شهباز حبیبی به اتفاق برادر غلامعلی شجاعی جهت شرکت در عملیات راهی مریوان گردیدند. نزدیک به یک هفته پس از حضور در مریوان ودزلی، برادر حبیبی و برادر شجاعی با دستور فرمانده لشکر به اهواز برگشتند. برادر پدیدار بعنوان مسئول هماهنگی هلی کوپترها جهت پشتیبانی گردان ها در هنگام عملیات از طرف فرمانده لشکر معرفی و شروع بکار کرد.

تأمین آذوقه و مهمات با هلی کوپتر و کمک به گردانها از جمله اموری بود که فرمانده گردان حضرت زینب (س) در این عملیات به عهده داشت و توانست یار و یاور فرمانده لشکر در این عملیات باشد. پس از یک ماه و اندی حضور و افتخار آفرینی در عملیات والفجر ۱۰، لشکر به همراه کادر خود به اهواز برگشتند.

## بخش سوم: فرماندهی حاج شهباز حبیبی

در اردیبهشت ماه سال (۱۳۶۷) فرماندهی گردان حضرت زینب (س) به حاج شهباز حبیبی واگذار گردید. ایشان سید نجیب بازیار را به جانشینی گردان معرفی کردند. گردان با فرماندهی

گروهان های حاج بهرام اسماعیلی، عباس دشمن زیاری و هادی ابوالقاسمی در جزیره ی مینوی آبادان مستقر و مشغول حفاظت و حراست از آبادان، خرمشهر و پالایشگاه آبادان گردید. در این برهه از زمان به دلیل پشتیبانی های بی حد و حصر دشمنان اسلام به صدام ملعون و پیروزی های صدام در تصرف فو، عراقی ها با روحیه مضاعف آماده حمله به نقاط مختلفی از جمله های ما بودند. به همین جهت احتمال تصرف مجدد خرمشهر و یا حتی آبادان دور از دسترس نبود. گردان حضرت زینب (س) علی رغم تمام کمبودها و نداشتن امکانات این مهم را درک کرده، با تمام قوا مشغول دفاع و مقاومت از این خط مهم و استراتژیک کشور گردید و تا آن جا که امکان داشت ضربات سنگین و مهلکی را بر پیکر بعضی ها وارد کرد. عراقی ها در چهارم خرداد ماه (۱۳۶۷) با استفاده از بمب باران های هوایی، آتش توپ خانه سنگین و تانک و حملات سنگین خود موفق شدند کلیه مناطق از دست رفته خود را در عملیات کربلای (۵) پس بگیرند و با این کار از کشورهای حوزه خلیج فارس باج خواهی بیشتری کردند. سیل کمک های دشمنان جمهوری اسلامی روانه عراق گردید و صدام از فرصت به دست آمده، نهایت بهره برداری را کرد و در اقصی نقاط جبهه ها شروع به حمله و پیش روی نمود. دقیقا نوزده روز از تک شلمچه گذشته بود که فرماندهان تصمیم گرفتند در پاسخ به یکه تازی ها و تعدی های ددمنشانه ی ارتش بعث عراق عملیات بیت المقدس هفت را انجام دهند.

## عملیات بیت المقدس ۷

عملیات بیت المقدس هفت در نخستین ساعات بامداد ۲۳ خردادماه سال (۱۳۶۷) با رمز مبارک "یا ابا عبدالله الحسین علیه السلام" و با هدف انهدام مواضع دشمن در منطقه ی شلمچه آغاز شد. این عملیات در حالی انجام شد که دشمن بعضی چند ساعت قبل از عملیات، مواضع رزمندگان اسلام را به شدت زیر آتش سنگین خود گرفته بود. درست (۱۹) روز از عملیات تک شلمچه توسط دشمن گذشته بود که دستور دادند عملیات بیت المقدس ۷ در منطقه شلمچه اجرا شود.

در این عملیات ابتدا قرار بود کل گردان وارد عملیات گردد و بعد بنا به صلاح دید مقرر گردید یک گروهان از گردان به عنوان گروهان مامور به گردان حضرت امام محمداقبر (ع) واگذار گردد. برای این مهم گروهان یکم گردان به فرماندهی برادر حاج کاظم فراست انتخاب شد. این گروهان ماموریت داشت از جناح چپ منطقه عملیاتی به عنوان گروهان خط شکن وارد عملیات شود. گروهان پس از شروع عملیات و درگیری تا عمق خاکریز دوم دشمن پیشروی کرد. به دلیل گرمای سوزان و تشنگی و عطش نیروها و نبود امکانات لازم در رساندن آب به پرسنل و تصمیم فرماندهان، مقرر گردید گروهان و نیروهای دیگر به خط عقب برگردند. در این مرحله تعدادی از رزمندگان به دلیل جراحات وارده و تشنگی حاصل از عطش به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.

## آخرین عملیات

از بهار سال (۱۳۶۷) تحولات جنگ به گونه ای غافل گیرانه در عرض سه ماه به زیان ایران و به سود عراق تغییر یافت که به تغییر وضعیت نظامی عراق از سوی سران حکومت این کشور منجر شد. روند جنگ در سال آخر به گونه ای بود که دشمن در منطقه ی جنوب با تهدیدی جدی رو به رو نبود. این موضوع فرصت لازم را به دست داد تا ارتش عراق استراتژی خود را در جنوب از پدافند به آفند تغییر دهد. از سوی دیگر تشدید فشارهای ایران باعث شد تا سازمان رزم عراق، فراخوانی نیروها را از یک نوبت تا قبل از سال (۱۳۶۵) به ۳۰ نوبت در این سال افزایش دهد؛ موضوعی که به گسترش چشمگیر سازمان رزم عراق منجر شد.

درخصوص این عملیات اطلاعات چندانی در دسترس نیست، فقط باید اذعان کرد که دشمن بعد از پیروزی های خودش در باز پس گیری فاو، شلمچه، جزایر مجنون، ارتفاعات و مناطق غرب کشور، بسیار مغرور و وقیح شده بود. تا جایی که حتی بعد از پذیرش قطعنامه (۵۹۸) توسط ایران هنوز مشغول جولان دادن وعربده کشی بود. دقیقا چند روز پس از پذیرش

قطعنامه و به جهت سرکوب عربده کشی های دشمن لشکر (۱۹) فجر با انتخاب گردان حضرت زینب (س) وارد عمل شد.

چندروزی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در حالی که گردان حضرت زینب (س) در آبادان خط پدافندی را به عهده داشت، فرمانده لشکر، فرمانده گردان حضرت زینب (س)، برادر حبیبی را احضار و ماموریت وی را ابلاغ کرد. گردان بلافاصله عازم شلمچه شد.

ابتدا ارکان گردان تا دو کیلومتری موضع تک جهت شناسایی پیش رفته و سپس به مقر باز گشتند. سپس در ساعت ۱۲ شب با دو گروهان وارد کارزار شدند که در همان ساعات اولیه به لطف حضرت حق موفق به بازپس گیری محور و عقب راندن دشمن گردیدند. تعدادی از رزمندگان گردان در آخرین دقایق باقی مانده از جنگ، شوق پرواز و رسیدن به معبود را در سرداشتند و با ریختن خون خود درس ایثار و مقاومت را به بازماندگان جنگ دادند و این پیام را برای تاریخ گذاشتند که جوانان این مرز و بوم تا آخرین نفس و آخرین قطره خون خود از اسلام، جمهوری اسلامی و سرزمین خودشان دفاع کرده و خواهند کرد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

## سخن آخر

هشت سال دفاع مقدس پیامد ها و دستاوردهای سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی زیادی از قبیل اعتماد به نفس و خودباوری، شکوفایی استعداد و خلاقیت، رشد باورهای دینی، ظهور تفکر بسیجی، خود کفایی در صنایع دفاعی، رشد روحیه ی شهادت طلبی، اثبات حقانیت ایران، رسوایی دشمنان داخلی و خارجی، تحکیم وحدت ملی، استقلال کشور، صدور انقلاب اسلامی و... را برای جمهوری اسلامی داشت که پرداختن به آن ها در این فرصت اندک امکان پذیر نیست.

جنگ عراق علیه ایران (۲۸۸۷) روز به طول انجامید که طی آن هزار روز نبرد فعال صورت گرفت که (۷۹۳) روز حمله از سوی نیروهای ایرانی و (۲۰۷) روز از سوی ارتش متجاوز عراق بوده است. در طول جنگ شمار (۳۸۱) هزار و (۶۸۰) نفر از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند و (۷۲) هزار نفر به اسارت نیروهای ایران در آمدند، که این موفقیت ها حاصل نشد مگر به واسطه ی روح شجاعت، برادری، اخلاص، ایمان و جهاد دلاور مردان این مرز و بوم و دلاور مردانی از خطّه ی قهرمان پرور فارس، شهرستان کازرون و گردان حضرت زینب (س).

چکیده و مختصری از فعالیت ها و عملکرد گردان حضرت زینب(س) و شهدای قهرمانش در حد وسع و بضاعت متن تحریر گردید، تا تاریخ و ملت شریف و شهید پرور ایران اسلامی و بخصوص مردم ولایت مدار کازرون با بخشی از رشادت ها و شجاعت های غیور مردان خود آشنا شوند.

نقصان مطالب را به دلیل فشردگی از ما بپذیرید و از خداوند بخواهیم که روح بلند شهید باقر سلیمانی و شهدای گردان همیشه پیروز حضرت زینب(س) را با روح شهدای کربلا محشور فرماید.

## فصل سوم

### شهادت‌گردان



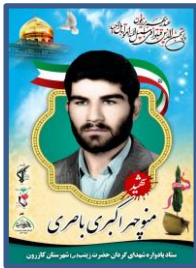
## شهید عبدالرضا حاتمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۶/۱۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۰۷/۱۲

شهید عبدالرضا حاتمی در سال ۱۳۴۶ در روستای جدول ترکی از توابع شهرستان کازرون متولد شد. دوران ابتدایی را در مدرسه ی عشایری زادگاهش گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به مدرسه راهنمایی علامه طباطبایی در بالاده رفت. اما تا یک سال بیشتر ادامه نداد و برای کمک به پدرش که به امر کشاورزی مشغول بود تحصیل را رها کرد. با شروع جنگ تحمیلی همه ی تلاش خود را برای رفتن به جبهه انجام داد اما به دلیل نداشتن شرایط سنی موفق نمی شد. اصرار و پافشاری وی در نهایت به موفقیت انجامید و برای آموزش وارد پادگان شهید دستغیب کازرون شد و به جبهه اعزام گردید. سرانجام وی بر اثر اصابت ترکش در جزیره مجنون به شهادت رسید.





## شهید منوچهر اکبری باصری

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۷/۲۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۰۹

منوچهر اکبری در روستای شهیدآباد (عشایر کوچ رو) از توابع دهبید به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ در دبستان دولتی عشایر سیار علی رغم همه ی مشکلات مشغول به تحصیل شد او در سال ۱۳۶۰ به آموزش اعزام شد و بعد از آموزش به خط مقدم آبادان منتقل شد که بعد از مدتی در عملیات حصر آبادان شرکت نمود. بعد از چند دوباره به خط مقدم دهلران اعزام شد که در منطقه ی دهلران زخمی و به بیمارستان منتقل شد. بعد از آن به عنوان نیروی رسمی سپاه برای بار سوم در عملیات رمضان شرکت کرد و مجدداً زخمی شد بعد از بهبودی دوباره در عملیات محرم شرکت نمود. بعد از عملیات محرم به سپاه دهبید بازگشت. مدتی را در خدمت امام جمعه دهبید بود تا این که یک ماه قبل از عملیات خیبر و بدر با لشکر ۱۹ فجر اعزام شد که در عملیات بدر و خیبر هم شرکت کرد. در عملیات آزاد سازی فاو هم حضور داشت که به عنوان معاون گروهان و مسئول دسته یک بود. بعد از عملیات والفجر ۸ چند مدتی نیز در دهبید در خدمت امام جمعه بود بعد از آن در گردان زینب (س) لشکر ۱۹ فجر در عملیات جبهه سومار به درجه ی رفیع شهادت نائل شد.

فرزای از وصیت نامه

"آگاهانه زیستم و آگاهانه جنگیدم و آگاهانه به ابدیت پیوستم و فریاد سر می دهم که فدای مکتب خمینی و راه خمینی و مرام خمینی که همه اش راه خداست می شوم و نه یک بار بلکه دوست دارم هزار مرتبه فدای این اسلام و این مکتب بشوم!"



## شهید حمید شبانپور

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۱/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۰۹

شهید حمید شبانپور در سال ۱۳۳۷ در منطقه چمن گرم آباد در حومه مرودشت در میان عشایر به دنیا آمد. پس از تولد وی خانواده اش به توابع ارسنجان نقل مکان کردند و او تحصیلات ابتدایی را در روستای جمال آباد سپری کرد. برای ادامه تحصیل راهی ارسنجان شد و دبیرستانی بود که فعالیت های انقلابی به اوج رسیده بود و وی به مبارزه علیه رژیم پرداخت و مورد تعقیب قرار گرفت. در سال ۵۵ توسط ساواک دستگیر شد. در سال ۱۳۵۶ به خدمت سربازی رفت اما با فرمان امام ترک خدمت کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران وارد سپاه شد و به عنوان مسئول واحد عملیات و عضو شورای فرماندهی سپاه مرودشت منصوب و مشغول به خدمت گردید. با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت و مأموریت های زیادی را فرماندهی و هدایت کرد. وی معاون اطلاعات عملیات تیپ امام سجاد (ع) نیز بود. پس از صدور فرمان امام مبنی بر ضرورت فراگیری علوم و فنون نظامی، در کنار مسئولیت سنگینی که به عهده داشت در پایان هر عملیات از جبهه به شهرستان باز می گشت و به عنوان یک مربی نظامی، فعالیت های آموزشی را راه اندازی و اداره می کرد. آخرین مسئولیت وی معاونت گردان حضرت زینب (س) بود که در همین سمت، در سال ۱۳۶۳ در منطقه سومار به شهادت رسید.

"ای برادر به تو بگویم که از تو گله مندم؛ تو که گرانفروشی و با پول جهنم را می خری؛ تو که احتکار می کنی؛ تو که حرص و طمع مال دنیا داری؛ ... تو برادر حزب الهی که نا آگاهانه از ریسمان خدا داری جدا می شوی و داری از رهبرت رها می شوی... تو برادر هنوز اسلام را نشناخته ای... و تو ای خواهر که حجابت را رعایت نمی کنی و تو ای برادر که دل خانواده شهدا را خون می کنی، به تو می گویم و به همه ی شما می گویم که حکومت اسلامی از تو نمی-پذیرد، مسلمانان جهان به انتظار من و تو هستند که نجاتشان بدهیم!"



## شهید اکبر علی پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۵/۱۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۱۶

شهید اکبر علی پور در سال ۱۳۴۴ در روستای قلعه سید کازرون به دنیا آمد. دوره ی ابتدایی را در دبستان زادگاهش گذراند و دوره راهنمایی را در کازرون سپری کرد. تازه وارد دبیرستان شده بود که برای گذراندن دوره رزم راهی پادگان بسیج جهرم گردید و ۳ ماه بیشتر از هم دوره ای- های خود در آنجا ماند. سپس راهی جبهه شد و در عملیات والفجر ۱ حضور یافت که از ناحیه دست و پا و گردن به شدت مجروح شد. با وجود درد ناشی از مجروحیت مجددا در سال ۱۳۶۳ روانه جبهه گردید. سرانجام در حمله صدام به شهرهای مسکونی در پادگان ابوذر سر پل ذهاب به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"پروردگارا شهادت جزئی از دین ماست شهادت نشانی در تاریخ ما و زندگی و راه ما است و شهادت تبارنامه ی خونین قبیله ی تشیع است. شهادت میراثی است که ائمه اطهار برای ما به جا گذارده اند."



## شهید حمید کایدی

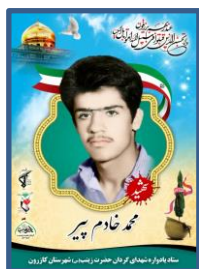
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۸/۰۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۱۶

شهید حمید کایدی در سال ۱۳۴۴ در روستای نودان از توابع کازرون به دنیا آمد. دوره دبستان را در زادگاهش گذراند و برای دوره دبیرستان راهی کازرون شد. او از همان سنین نوجوانی فردی با تقوا و قاری قرآن بود. در سال ۱۳۶۲ مدرک دیپلم خود را اخذ کرد و در سال ۱۳۶۳ برای اولین بار عازم جبهه گردید. وی در دومین حضور خود در جبهه به غرب رفت و در منطقه سر پل ذهاب به وسیله بمب باران هواپیماهای دشمن، در حال وضو گرفتن به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"پدر و مادرم، چشمتان به خدا و فضل و کرم خدا باشد و از خدا روزی بخواهید و افتخار کنید که من به جبهه می روم زیرا که انسان فانی است و می خواهد بمیرد؛ چرا با شرف و عزت از دنیا نرود؟! انسان امانتی است که باید به صاحبش برگردد. صاحب ما خداست!"



شهید محمد خادم پیر

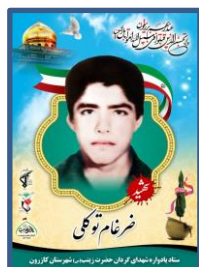
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۴/۲۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۱۶

شهید محمد خادم پیر در سال ۱۳۴۸ در کازرون متولد شد. پس از گذراندن دوره دبستان شرایط زمانه این امکان را به او نداد تا آزادانه به تحصیل بپردازد و پس از طی سال اول راهنمایی تحصیل را رها کرد. زمانی که امام فرمان بسیج عمومی را صادر نمود در بسیج مستضعفین ثبت نام نمود و جهت آموزش سلاح های سنگین و سبک به مدت ۴۵ روز در پادگان شهید دستغیب کازرون مشغول بود. پس از آن متقاضی حضور در جبهه شد که به علت کمی سن، مورد موافقت قرار نگرفت. وی در نهایت با اصرار و پافشاری موفق به اعزام به جبهه گردید در سال ۱۳۶۳ بر اثر اصابت ترکش در بمب باران هواپیمای دشمن به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"من در این مدت ناچیز که در جبهه ها بوده ام، بی به این نکته برده ام و خیلی هم نسبت به آن ایمان دارم که شهادت نزدیک ترین راه و سریع ترین راه تقرب به خداست".



## شهید ضرعام توکللی

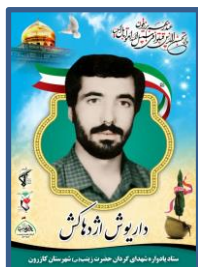
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۱۶

شهید ضرعام توکللی در سال ۱۳۴۸ در روستای برج سید منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد. دوران ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و برای ورود به دبیرستان به کنار تخته عزیمت کرد. پس از گذراندن سال اول در رشته علوم تجربی با اصرار و پافشاری خانواده خود را برای حضور در جبهه راضی نمود و در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۳ در پادگان آموزشی شهید دستغیب کازرون تحت آموزش نظامی قرار گرفت. او در بهمن همان سال راهی جبهه غرب گردید و در سر پل ذهاب به مبارزه پرداخت و در اسفند ماه بر اثر اصابت ترکش به سینه اش به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"پدر جان از بابت مدرسه ام ناراحت نباش که چرا من مدرسه را به قصد جبهه ترک کرده ام چون آن جا مدرسه بود اما اینجا دانشگاه است!"



## شهید داریوش ازدهاکش

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۷/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۱۲/۱۶

شهید داریوش ازدهاکش در سال ۱۳۴۱ در روستای بوشیگان دیلمی از توابع کازرون در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در زادگاهش گذراند و در سال ۱۳۶۰ مدرک دیپلم خود را اخذ کرد. وی در سال ۱۳۶۱ به خدمت مقدس سربازی اعزام شد و مدت ۳ ماه از خدمت خود را در جبهه کردستان به به مبارزه پرداخت. وی در سال ۱۳۶۳ در دانشگاه شیراز پذیرفته شد اما قبل از شروع کلاس ها عازم جبهه گردید و در جبهه های جنوب با پذیرفتن مسئولیت رانندگی یک دستگاه آمبولانس به خدمت در جبهه مشغول شد. وی مدتی در اهواز و آبادن و سپس به منطقه سومار در گیلانغرب منتقل شد و سر انجام در سال اسفندماه ۱۳۶۳ به فیض شهادت ناقل آمد.

فرازی از وصیت نامه

"تقوی پیشه کنید و از جهاد اکبر (جهاد با نفس) و جهاد اصغر (همان جهاد با کفر) غافل نمانید و همواره به یاد خدا باشید و به خدا توکل کنید".





## شهید احد طاهری پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۱/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۱/۱۲

شهید احد طاهری پور در سال ۱۳۴۰ در کازرون به دنیا آمد. در سن ۵ سالگی نماز خواندن را شروع کرد و در همین سن بود که بچه های خردسال را جمع می کرد و خود به عنوان امام جماعت در جلو بقیه می ایستاد و نماز جماعت برپا می کرد. پس از گذراندن دوره دبستان و راهنمایی با انتخاب رشته ی برق، وارد هنرستان دکتر علی شریعتی شد و همزمان فعالیت های انقلابی اش نیز شدت گرفت و چندین بار مورد هجوم عمال شاه قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب هنوز به مدرسه می رفت اما به بسیج پیوست و آموزش نظامی را فرا گرفت. با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت پس از بازگشت امتحانات خود را پشت سر گذاشت و چون از تحصیل فارغ شده بود به سپاه پاسداران پیوست و به مدت ۵ سال در بیشتر جبهه ها از جمله کردستان، سر پل ذهاب، عملیات فتح المبین، حمله چزابه، جزیره مجنون، ... حضور یافت و مسئولیت فرماندهی گردان را به عهده گرفت و سرانجام در سال ۱۳۶۴ در جزیره مجنون به شهادت رسید.

فرزای از وصیت نامه : هدف و استراتژی ما همین است که در هرجا و هر مکان بندگانی را دیدیم که در زیر یوغ استعمار بندگان دیگرند، آنان را نجات دهیم و به سوی بندگی خدا سیر دهیم. با شکست صدام رسالت ما به پایان نمی رسد، رسالت ما طولانی است و باید کلمه لا اله الا الله را تحقق بخشیم.



## شهید علی نظر امین افشار

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۴/۲۰

شهید علی نظر امین افشار در سال ۱۳۴۳ در کازرون متولد شد. پس از گذراندن کلاس سوم راهنمایی در شغل صافکاری و نقاشی خودرو مشغول به کار شد و سپس از طریق بسیج سپاه کازرون عازم جبهه گردید. وی هم در جبهه غرب و هم در جبهه جنوب، رشادت های بسیاری از خود نشان داد و پس از عضویت در کمیته انقلاب اسلامی، در اولین کاروان پاسداران کمیته، روانه جبهه گردید و در گردان حضرت زینب (س) مشغول خدمت شد. به خاطر شرکت در عملیات قدس (۳) وارد گردان امام علی (ع) شد و پس از مجاهدت ها در محاصره دشمن قرار گرفت. وی با تشنگی و عطش فراوان بر اثر اصابت ترکش خمپاره در ۲۰ ام تیرماه سال ۱۳۶۴ به درجه رفیع شهادت نائل آمد. جسد مطهرش ۱۶ سال در منطقه عین خوش مفقود بود و سپس در سال ۱۳۸۰ مورد تفحص قرار گرفته و به خانواده اش بازگردانده شد.

## فرازهایی از وصیت نامه

"شهادت هدف نیست، بلکه مقصدی است که مجاهدان برای رسیدن به آن از یکدیگر سبقت می گیرند. شهادت مرگ نیست، جاودانه ماندن است، مردن نیست، تولد است!"



## شهید محمد جواد ملک زاده

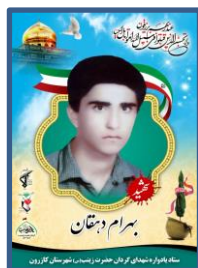
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۴/۲۰

محمد جواد ملک زاده در شهر کازرون متولد شد. بعد از گذراندن دوران ابتدایی پا به دوران راهنمایی گذاشت و کلاس اول و دوم راهنمایی را در مدرسه ی ادب گذراند. با شروع انقلاب مدرسه را کنار گذاشته و به پایگاه همیشگی خود یعنی مسجد قدم گذاشت. او با هم سن و سال های خود اقدام به پرتاب سنگ به سوی ماشین های ارتش شاهنشاهی می کردند و از دست دژخیمان فرار می نمودند و بارها از طرف عمال رژیم بازداشت گردید. اوایل سال ۱۳۶۱ بود که قدم به جبهه گذاشت.

او اولین جبهه خود را حصر آبادان و جبهه نورد اهواز قرار داد. بعد از شکستن حصر آبادان پیروزمندانه به کازرون بازگشت و چند ماهی قبل از آن تجربه اولین نبرد را در کردستان و مهاباد بر علیه گروهک های ضد انقلاب آغاز کرده بود. بعد از آن وارد عملیات فتح المبین شد و با سربلندی از این عملیات خود را برای عملیات بیت المقدس آماده نمود. وی در این عملیات بود که از ناحیه پا مجروح گردید که پس از بهبودی موقت دگر بار راهی جبهه شد و این بار نیز در خط پدافندی زبیدات به مدت ۳ ماه انجام وظیفه کرد و بعد از آن عازم عملیات والفجر ۱ گردید. بعد از مرخصی کوتاهی راهی جبهه شد و در عملیات پیروزمندانه خیبر شرکت نموده و از ناحیه پا مجروح شد.

بعد از بهبودی دوباره به جبهه رفت و در گردان حضرت زینب (س) از لشکر ۱۹ فجر مشغول خدمت گردید. سپس جهت شرکت در عملیات قدس ۳ به همراه چند نفر از دوستانش مامور به گردان امام علی (ع) شد. هنگامی که از عملیات به عقب برمی گردند یکی از اسرا بر روی میدان مین می رود و محمد جواد به کمک اسیر مذکور می رود که خداوند متعال او را به سوی خود می خواند و شهید عزیز ما بر روی مین می رود و بدنش آماج ترکش های مین شده و به شهادت می رسد.



## شهید بهرام دهقان

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۴/۲۰

شهید بهرام دهقان در سال ۱۳۴۷ در روستای اسلام آباد کازرون به دنیا آمد. دوران دبستان را در زادگاهش و دوره راهنمایی را در روستای انارستان سپری کرد. پس از آن با دست کاری شناسنامه خود موفق شد برای اعزام به جبهه اقدام کند. در سال ۱۳۶۳ از ناحیه گردن و کتف و ساق پا مجروح شد و دچار موج گرفتگی نیز گردید که منجر به آسیب دیدگی چشمش گردید. او قبل از اینکه بهبود یابد مجدداً به جبهه برگشت و در عملیات قدس ۳ شرکت نمود و مفقود الاثر گردید. پیکر پاک این شهید در عملیات تفحص در سال ۱۳۷۹ پیدا شده و به خاک سپرده شد.

فرازی از وصیت نامه

"از این هیاهوی عراق و سایر کافران و منافقان داخلی و خارجی نه‌راسیده، زیرا این‌ها در مقابل لشکر اسلام همچون مگسی در مقابل شیرند و چند روزی بیش دوام ندارند. بالاخره یا تسلیم می‌شوند یا نابود خواهند شد!"



## شهید عبدالحمید خرمزی (خورموجی)

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۶/۱۶

شهید عبدالحمید خرمزی در سال ۱۳۴۷ در منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش سپری کرد. از اولین روزهای تشکیل بسیج در خشت به عضویت آن درآمد و به فعالیت پرداخت. در دوران دبیرستان چند بار عازم جبهه شد. در سال ۱۳۶۴ در حالی که تحصیلات خود را در سال سوم تجربی با موفقیت سپری کرده بود به جبهه جنوب رفت. پس از بازگشت به مناطق عملیاتی غرب انتقال داده شد و در عملیات قادر به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"مادرم اگر چه شهادت لایق من نیست، لکن اگر خداوند نظر لطفی به بنده گنهکار خود کرد و توفیق شهادت را نصیبم گردانید، در مرگم گریه و زاری نکنید چون شهید عزادار نمی خواهد، شهید پیرو می خواهد... شهادت ارثی است که از ابا عبدالله الحسین (ع) به شاگردان مکتب توحید رسیده!"



## شهید مهدی صالحی

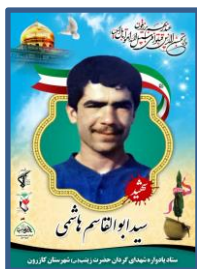
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۶/۱۶

شهید مهدی صالحی در سال ۱۳۴۷ در منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد. قبل از شروع دوره ابتدایی به فراگیری قرآن پرداخت و از همان اوان کودکی به انجام فرائض دینی مانند نماز و روزه همت گماشت. همزمان با راه اندازی بسیج در منطقه خشت به عضویت آن در آمد و به فعالیت های گسترده پرداخت. در تیرماه ۱۳۶۱ راهی جبهه شد و به علت پذیرفته نشدن به عنوان رزمنده به فعالیت در جهاد سازندگی آبادان و خرمشهر پرداخت. بالاخره در سال ۱۳۶۳ به جبهه اعزام شد و در خط مقدم جزیره مجنون به مبارزه پرداخت. وی سر انجام در سال ۱۳۶۴ در عملیات قادر مفقود الاثر گردید. پیکر پاک این شهید در سال ۱۳۷۵ مورد تفحص قرار گرفت و به خاک سپرده شد.

فرازی از وصیت نامه

"ما را چه باک از کشته شدن، اسیر شدن و معلول شدن، چرا که الهی رضاً به رضاک".



## شهید سید ابوالقاسم هاشمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۳/۰۱

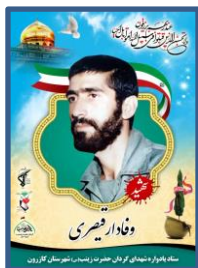
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۶/۱۶

شهید سید ابوالقاسم هاشمی در سال ۱۳۴۷ در منطقه خشت از توابع کازرون دیده به جهان گشود. دوران دبستان و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و با ورود به دوره دبیرستان در بسیج خشت ثبت نام نمود. به محض تشکیل پایگاه مقاومت روستا به عضویت جایگاه در آمد و آموزش نظامی را فرا گرفت. سپس دعوت رهبر را لبیک گفت و چندین مرحله به جبهه های جنگ شتافت. پس از اتمام سال سوم دبیرستان برای سومین بار عازم نبرد شد و سرانجام در سال ۱۳۶۴ در عملیات قادر مفقودالاثر گردید.

فرازی از وصیت نامه

"خدایا شاهد باش که من فقط برای رضای تو برای دفاع از اسلام و ناموس و شرف به این نقطه مقدس پا نهادم و جز رضای تو را نمی جویم".





## شهید وفادار قیصری

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۰۸/۱۵

شهید وفادار قیصری در روستای چغاسایی منطقه خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را در روستای ایجونی به پایان رساند و برای مقطع راهنمایی به مدرسه ساجدی خشت رفت. پس از شروع جنگ تحمیلی در بسیج ثبت نام نمود و دو بار راهی جبهه شد. پس از آن در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کازرون ثبت نام کرد و پس از طی مراحل آموزشی به طور داوطلب عازم جبهه غرب شد. در کردستان در بانه به نبرد با احزاب کومله و دمکرات و دیگر گروهک های ضد انقلاب پرداخت. وی به مدت ۷ ماه نیز در گردان ضربت جندالله فعالیت نمود. پس از آن به جبهه جنوب رفت و مسئولیت مخابرات خط اروند کنار را به عهده گرفت و در حین ماموریت تعمیر خط ارتباطی در سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید.



## شهید حبیب نظری

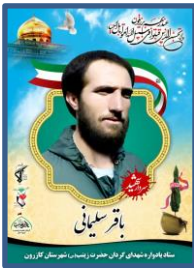
تاریخ تولد: ۱۳۲۴/۰۹/۰۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

شهید حبیب نظری در صغاد از توابع دهبید به دنیا آمد. میزان تحصیلاتش کلاس ششم بود. او همواره در راهپیمایی‌ها همراه با مردم انقلابی شرکت می‌کرد. بعد از انقلاب برای لیبیک به ندای امام به سپاه رفته و در آن جا مشغول به خدمت شد. همیشه می‌گفت شهادت در راه خدا خیلی شیرین است. در مقابل ضد انقلاب جدی و محکم بود و روحیه ای قوی داشت. ۵ بار به جبهه اعزام شد، ایشان در کردستان، اهواز و شلمچه حضور داشت. حبیب روحیه ی شادی داشت. وقتی از جبهه برمی‌گشت از این که شهادت نصیبش نمی‌شد ناراحت بود. او در عملیات خیبر، والفجر، بدر، حصر آبادان، رمضان، فتح خرمشهر، طریق القدس و والفجر ۳ و ۴ و ۵ و ۶ شرکت کرده و فرمانده ی یک گروهان از گردان حضرت زینب (س) بود. طبق گفته ی رفقا و همزمانش ترکش کاتیوشا به گلولی او اصابت کرده و در ارونرد رود به شهادت رسید.

### فرازی از وصیت نامه

این لباس مقدس و این زره محکم الهی و آیه ای که به سینه دارید وظیفه و مسئولیت شما را سنگین و سنگین تر کرده است و شما به عنوان الگو و اسوه در این جامعه هستید خدای ناکرده عملی از شما سرزنزد که باعث خدشه دار شدن خط انقلاب اسلامی بشود. خطا و انحراف برای همه بد و زننده است، اما برای شما سربازان اسلام خیلی بدتر و زننده تر خواهد بود.



## شهید باقر سلیمانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۴/۰۴

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

شهید باقر سلیمانی در سال ۱۳۳۷ در روستای خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. دوران دبستان را در زادگاهش گذراند و برای تکمیل تحصیلات راهی کازرون و سپس شیراز گردید. وی قبل از پیروزی انقلاب پس از ورود به دوره سربازی به فرمان امام از پادگان کرج فرار کرد و پس از پیروزی انقلاب مجدداً به فرمان امام به پادگان برگشت و بعد از آن سربازی را در دامغان به اتمام رساند. با اولین گروه اعزامی از کازرون رهسپار جبهه شد و در محاصره سوسنگرد رشادت‌های چشمگیری از خود نشان داد. پس از بازگشت، با صدور حکم فرمانده سپاه کازرون، مأمور تشکلیل بسیج منطقه خشت و کمارج گردید. با عضویت در گردان رزمی سپاه شیراز در عملیات ثامن الائمه جهت شکست حصر آبادان حضور داشت و از ناحیه چشم و دست مجروح شد. وی پس از بهبود مجدداً به جبهه بازگشت و در مبارزه علیه دشمن بعثی حضوری فعال داشت. از آن جمله می‌توان به شرکت در عملیات طریق القدس، محرم، والفجر مقدماتی، والفجرا، مربی آموزش فرماندهان طرح لَبیک یا خمینی سپاه مشهد، فرماندهی گردان حضرت زینت کبری (س) در عملیات خیبر و مسئول حفاظت از جزیره مجنون، فرماندهی سپاه پاسداران قائمیه، فرماندهی عملیات گردان در واحد طرح و عملیات و معاونت اطلاعات و عملیات تیپ فاطمه الزهر (س) و همچنین فرماندهی خط و مسئول محور در پاسگاه زید اشاره کرد. وی در سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸، پس از دو شبانه روز جنگیدن، در منطقه اروندرود به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"دوستان و برادرانم: سخنم با شما این است که دنباله رو راه روحانیت باشید که در صدر آنها امام عزیزمان است. کارهایتان برای رضای خدا باشد. از هیچ چیز نترسید، از تفرقه بپرهیزید. هر هفته در نماز جمعه، این نماز سیاسی، عبادی و دشمن شکن شرکت کنید و دعا کنید برای فرج امام زمان (عج) و طول عمر رهبر انقلاب."

## خاطره ای از شهید

"حاج کاظم پدیدار می گوید قبل از عملیات طریق القدس حاج آقا ایمانی امام جمعه کازرون، جهت بازدید به جبهه آمدند. من یکی از برادران را دنبال باقر فرستادم تا بیاید. به حاج آقا گفتم فقط گوش کنید و از باقر خواستم صحبت کند. به اندازه ای شیوه سخن گفتن ایشان جالب و زیبا بود که تمام برادران را خوشحال و خندان و مجذوب خودنمود و حاج آقا خیلی خوشحال شد!"



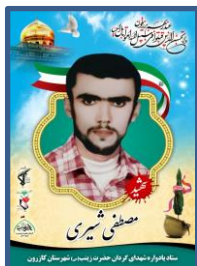
## شهید عباس حیاتی

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۰۸/۰۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

شهید عباس در روستای سیگار از توابع بخش مرکزی شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. در کودکی به مکتب خانه رفت و به فراگیری تعلیم دینی و اخلاق اسلامی همت گمارد و قرائت قرآن کریم را در مدت ۵۰ روز فرا گرفت.

او چندین بار به جبهه رفت و مجموعاً ۹ ماه در جبهه های آبادان و دشت عباس و سومار و فاو با دشمن جنگید و در آخرین سفری که عازم جبهه بود در کمال آرامش فرمود: این بار خیالم راحت است و هیچ فکری مرا به خود مشغول نکرده است. سرانجام شهید در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۴ در حالی که زمزمه ی یا زهرا (س) بر لب داشت و با سلاح کلاش به سوی دشمن شلیک می کرد هدف تیر مستقیم دشمن قرار گرفت و با چهره ای خونین به دیار معشوق شتافت.



## شهید مصطفی شیرازی

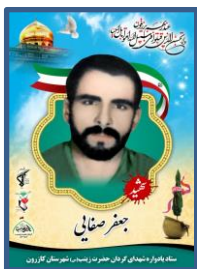
تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

شهید مصطفی در محله ی "چاه نو کریم آباد" شهر لامرد دیده به جهان گشود. تا کلاس اول راهنمایی ادامه تحصیل داد. در این سال موقتاً ترک تحصیل کرد، سه سال بعد به درس ادامه داد و با ورود به دانش سرای تربیت معلم امام صادق (ع) لامرد آماده ی پذیرفتن رسالت مقدس معلمی گردید. در هنگامه ی جنگ از دانش سرا آهنگ نبرد نمود و بیش از ۵ بار به جبهه رفت بارها صدمه دید و مجروح شد لیکن دست از استقامت بر نداشت در حالی که زیر باران آتش دشمن از رود خروشان اروند می گذشت در دروازه ی "فاو" به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

برادران و خواهران مسلمان تنها مسلمان بودن و شعار دادن هیچ فایده ای ندارد یک فرد مسلمان باید بی تفاوت نباشد در برابر مسائل. او باید همیشه آماده باشد و خود را مهیا کند برای از بین بردن دشمنان اسلام و قرآن.



## شهید جعفر صفایی

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۱/۰۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶/۱۱/۲۲

شهید جعفر در محله ی "کهوردان" لامرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را تا کلاس ششم نظام قدیم در دبستان کهوردان ادامه داد. در سال های پیروزی انقلاب در تظاهرات شرکت کرد و پس از پیروزی مستضعفان با شروع جنگ در حالی که استخدام اداره ی آموزش و پرورش بود پنج نوبت به جبهه رفت و از کردستان تا تنگه ی هرمز را در نوردید. سرانجام در عملیات بزرگ والفجر ۸ شرکت کرد و پس از عبور از رود وحشی اروند و فتح مواضع دشمن در شبه جزیره ی فاو شربت شهادت نوشید و جاوانه ی تاریخ شد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

فرازی از وصیت نامه

"از مسئولین محترم جمهوری اسلامی می خواهم که عدالت را رعایت کنند که عدالت صفت نیکویی است و برای مسئولین نیکوتر و در مواجهه با مسائل ضد اسلامی قاطع باشند و از مردم هم می خواهم با مسئولین همکاری نمایند".



## شهید صوالت حیدری

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۳/۱۶

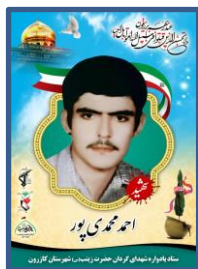
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۲

شهید صوالت حیدری در سال ۱۳۴۵ در روستای تنگ سا از توابع سپیدان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش و دوره راهنمایی را در روستای جوجیان طی کرد. سال دوم دبیرستان بود که به نورآباد نقل مکان کرد و چون جنگ تحمیلی شروع شده بود، از طریق بسیج سپیدان عازم جبهه گردید. در سال ۱۳۶۲ به عضویت سپاه پاسداران سپیدان در آمد و مدتی در دفتر نماینده ولی فقیه در فارس به خدمت پرداخت و بعد مجدداً عازم جبهه شد و به عنوان فرمانده گروهان ضربت گردان الزهرا (س) در عملیات فاو از ناحیه سر مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"در راه خدا قدم بردارید و هرگز دشمنان در بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابر قدرت هاست!"





## شهید احمد محمدی پور

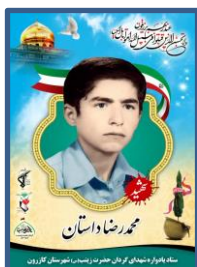
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۶

شهید احمد در روستای کال از توابع شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به پایان رساند و دوره ی متوسطه را تا کلاس سوم در دبیرستان شهید بهشتی ادامه داد. هنگام جنگ قدم به عرصه ی جهاد و شهادت گذاشت. در عملیات والفجر ۸ ناگهان انفجار گلوله ای شیمیایی نفس کشیدن را بر او دشوار ساخت سرانجام در لحظه ای سپید عروس شهادت را پذیرا شد و در بیمارستان فلو به یاران رفته پیوست. روحش شاد و یادش گرامی باد .

فرازی از وصیت نامه

"تمامی هدف و مقصد ما اسلام است و این انقلاب اسلامی و ما تمامی ملت ایران وسیله ای برای تحقق آن می باشند و برادران و خواهران گرامی اتحadtان در پشت جبهه با هم بیش تر کنید!"



## شهید محمدرضا داستان

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۴/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۸

شهید محمدرضا داستان در سال ۱۳۴۹ در روستای کاندیده به دنیا آمد دوران دبستان را در زادگاهش طی کرد اما برای ادامه تحصیل راهی روستای دیگر شد و تا دوم دبیرستان تحصیل نمود. وی پس از شروع جنگ تحمیلی شور و هیجان زیادی برای پیوستن به رزمندگان داشت و پس از اتمام سال دوم دبیرستان برای رفتن به جبهه اقدام نمود و راهی میدان نبرد شد. سر انجام در عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی فاو به شهادت رسید اما پیکر پاکش مفقود بود تا اینکه در سال ۱۳۷۶ مورد تفحص قرار گرفت.

فرازی از وصیت نامه

"برای این به جبهه رفته ام تا ندای هل من ناصر ینصرنی حسین را لبیک گفته باشم. حسین جان اگر در آن زمان کسی نبود که به کمک تو بیاید ولی حالا رزمندگان اسلام مشتاقانه به جبهه ها اعزام می شوند و راه تو را ادامه می دهند!"



## شهید علی نقی ابونصری

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۸/۰۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید علی نقی ابونصری در سال ۱۳۴۱ در روستای مهدیه (گرگنا) از توابع شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. پس از ورود به مدرسه کلاس سوم و چهارم ابتدایی را به صورت جهشی در یک سال به پایان رساند و برای ادامه تحصیل همراه خانواده به کازرون نقل مکان کرد. تحصیلات وی در دوره دبیرستان همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی بود و وی در تظاهرات ها و سخنرانی ها حضور فعال داشت. پس از اخذ مدرک دیپلم برای فراگیری آموزش های نظامی به تهران و از آنجا به منجیل رفت و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد. وی به طور داوطلبانه برای اولین بار به جبهه سومار اعزام شد و سپس در عملیات طریق القدس در گروه تخریب مجروح شد. پس از بهبودی به آموزش نیرو های تازه وارد در پادگان شهید دستغیب کازرون پرداخت. پس از چند ماه مسئول گروه تخریب تیپ فاطمه زهرا (س) شد. سپس در تخریب لشکر (۱۹) فجر و عملیات های والفجر مقدماتی، والفجر (۱) و خیبر ایفای نقش نمود. وی در سال ۶۳ پس از گذراندن دوره غواصی و مین های زیر دریایی در بوشهر تخصص خود را در تخریب به پایان رساند و همزمان در دانشگاه شهید بهشتی در رشته زبان آلمانی پذیرفته شد و همزمان در دو جبهه دانش و جنگ به فعالیت می پرداخت. در دوران دانشجویی در عملیات والفجر ۸ شرکت کرد و حماسه ها آفرید. وی سرانجام در عملیات کربلای

۴ پس از ساعت‌ها درگیری شدید و مقابله با دشمن، با تیر مستقیم بعضی‌ها به درجه رفیع شهادت نائل گشت.

### فراز‌هایی از وصیت‌نامه

"برادران و خواهران دانشجو، شما باید در کنار روحانیت مبارز، مشعل دار این انقلاب باشید. هر دانشجو باید علاوه بر این که دانشجو است، شهادت‌جو هم باشد"

"خدایا آن کسانی را که با کارشکنی‌ها و سهل‌انگاری‌ها در انجام مسئولیت‌هایشان، ناراضی کردن مردم در ادارات، نه‌ها و در جاهای دیگر سعی دارند که ملت را از دولت دور نگه دارند و سعی می‌کنند که انقلاب را از درون بیوسانند اگر قابل هدایتند، هدایت و اگر قابل هدایت نیستند، آنها را نیست و نابود بگردان."

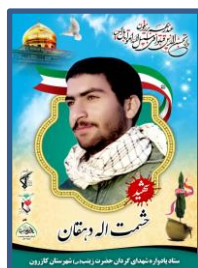


## شهید محمد رحیم حق شناس

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۳۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید محمد رحیم حق شناس در سال ۱۳۴۸ در کازرون به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند. او فقط ۱۴ سال داشت که به خاطر شور و شوقی که به جبهه و دفاع از اسلام و میهن داشت با دست کاری شناسنامه اش برای اعزام به جبهه اقدام کرد و سرانجام در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. او شرکت فعالی در مجالس مربوط به احکام و قوانین اسلامی داشت و به بحث و گفتگو می پرداخت. سپس هم سن و سال های خود را جمع می نمود و آنچه را که برداشت می کرد با لحنی ساده و صمیمی به آنان منتقل می کرد.



شهید حشمت اله دهقان

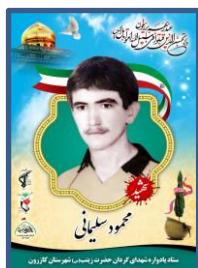
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

حشمت الله در روستای نعمت آباد چشم به دنیا گشود. در زادگاه خود مشغول تحصیل گردید و بعد از اتمام دوران ابتدایی، روانه ی مدرسه ی راهنمایی شهید ساجدی خشت شد. در سال ۱۳۶۴ به طور داوطلبانه برای خدمت سربازی در سپاه ثبت نام کرد. جهت آموختن فنون و تاکتیک های نظامی روانه ی کرمان گردید، در مدت زیادی در جبهه ها و مستقیماً در عملیات آزاد سازی شهر استراتژیک مهران شرکت داشت و حتی در جبهه یک بار به وسیله ی بمباران شیمیایی مزدوران عراقی مسموم گردید که جراحت سطحی بر وی وارد آمد که بعد از معالجه در همان اوقات راهی جبهه ها گردید. سرانجام در عملیات کربلای ۴ در منطقه ی عملیاتی شلمچه در لشکر ۱۹ فجر گردان حضرت زینب (س) به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"آفریدگارا در این لحظه ی حساس زندگی ارزنده ترین کاروان شادی برای من شهادت در راه تو است!"



## شهید محمود سلیمانی

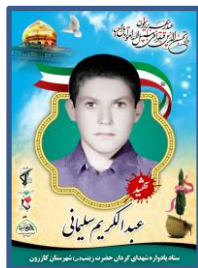
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید محمود سلیمانی در سال ۱۳۴۷ در منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد. در دوران کودکی چندین بار دچار صدمات جدی در ناحیه پا و دست شد. ۱۳ ساله بود که جنگ تحمیلی آغاز گردید و از آنجا که سنش اجازه نمی داد در کنار رزمندگان باشد به دلیل شوق حضور در جبهه با دست کاری شناسنامه توانست برای گذراندن دوره آموزشی نظامی به جهرم برود. پس از آن در آذرماه ۱۳۶۱ به جبهه اعزام شد و به مدت سه ماه در جبهه دشت عباس و زبیدات به مبارزه پرداخت. بار دوم در سال ۱۳۶۲ به جبهه رفت و از ناحیه پا مجروح شد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"امام فرمودند عالم محضر خداست؛ شما نیز خودتان را همیشه در محضر خدا بدانید و گناه و معصیت نکنید!"



## شهید عبدالکریم سلیمانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

عبدالکریم سلیمانی در سال ۱۳۴۹ در خشت متولد شد. دوران ابتدایی را با موفقیت کامل به پایان رسانید و وارد دوره ی متوسطه شد. دو سال اول و دوم را با موفقیت به پایان رسانید. با این که سنش کم بود با اصرار زیاد برای اولین بار جهت اعزام به جبهه ثبت نام کرد و پس از دوران آموزش سه ماهه که در کازرون سپری کرد به جبهه اعزام شد. تا این که در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید و بدن پاکش مفقود الاثر گردید و در سال ۶۹ پیکر پاکش به آغوش خانواده بازگشت.

فرازی از وصیت نامه

"شهیدان زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی می خورند من برای هیچ چیز به جبهه نمی روم مگر آن که در راه خدا کشته شوم و این جنگ تحمیلی به نفع اسلام و مسلمین تمام شود. ملت مسلمان ایران همه ی ما می دانیم که یک روز از دنیا خواهیم رفت بهتر است که در راه خدا و با روح شاد هم چون یاران حسین (ع) شهید شویم و از دنیا برویم!"





شهید سید محمد ساجدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۳/۰۶

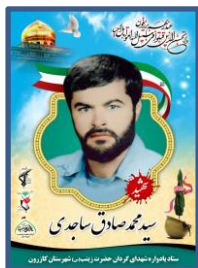
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

محمد در شهرخشت پا به عرصه ی حیات گذاشت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی وارد مدرسه- ی راهنمایی شد. در سال دوم دبیرستان دعوت رهبر را لبیک گفت و حضور در جبهه های جنگ و میداین نبرد را بر سنگر مدرسه و ادامه تحصیل ترجیح داد. همراه با کاروان های فتح و ۱-۲-۳ به جبهه عزیمت نمود و هر بار پس از طی مدت ماموریت خود سرافرازانه بر می- گشت و مجددا برای پنجمین بار همراه با عده ای از هم رزمان به جبهه ی مهاباد عزیمت نمود و پس از آن به بوکان رفت. در سال ۶۳ جهت سربازی به خدمت سپاه در آمد و در تیپ احمد ابن موسی خدمت کرد. و به دلیل علاقه ی وافرش به فرمانده شهید باقر سلیمانی، خود را به لشکر ۱۹ فجر منتقل و در گردان حضرت زینب(س) به فرماندهی شهید باقر سلیمانی به خدمت خود ادامه داد. در ابتدا به عنوان مسئول تبلیغات گردان انتخاب گردید اما لیاقت وی باعث شد تا او را به عنوان مسئول تعاون گردان منصوب نمایند و با حفظ همین سمت دوشادوش هم رزمان شهیدش باقر سلیمانی، هرمز دهقان و هاشم اعتمادی در جبهه های مختلف سومار، آبادان جزیره ی مجنون و دیگر جبهه ها مشغول نبرد بود تا این که مقدمات عملیات والفجر ۸ مهیا شد و چون شهید مسئول تعاون گردان بود و نمی بایست در عملیات شرکت کند با اصرار به فرماندهان و جایگزینی نیرو به جای خود توانست دوشادوش دیگر رزمندگان سلاح در دست گرفته و دلیرانه بجنگد و بالاخره بعد از ۴۸ ساعت نبرد بی امان در بعد از ظهر ۱۶۶۴/۱۱/۲۲ از

ناحیه ی کمر و ران مجروح شد. سرانجام وی در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید و پیکر پاکش مفقود گردید و در سال ۱۳۷۶ مورد تفحص قرار گرفت.

فرازی از وصیت نامه

"سفارش این حقیر به شما این است که سنگر نماز جمعه را خالی نکنید. نماز جمعه عزای دشمنان ماست. پس قدر امام جمعه و نماز جمعه را بدانید. هم چنان که به گفته ی امام مساجد را گرم نگه دارید و پر از جمعیت کنید".



## شهید سید محمد صادق ساجدی

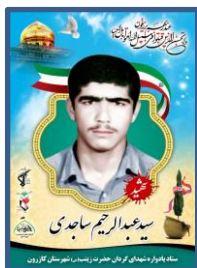
تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۰۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید سید محمد صادق ساجدی در سال ۱۳۳۱ در منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد. او قبل از اینکه به مدرسه برود نماز و بعضی از مسائل مذهبی را توسط مادرش آموخته بود. دوران ابتدایی را با موفقیت پشت سر نهاد اما در ادامه ناگزیر مدرسه را رها کرد. پس از مدتی به خدمت سربازی رفت و بعد از آن به خدمت ژاندارمری در آمد و پس از طی دوره آموزشی مسئول حفاظت از سد کارون در مسجد سلیمان گردید. با پیروزی انقلاب، به بوشهر انتقالی گرفت. با شروع جنگ تحمیلی با بسیجیان راهی جبهه شد و سرانجام در عملیات کربلای ۴ بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"پیامم به شما امت حزب الله این است که برای رضای خدا دست از اختلافات بردارید و با همدیگر برادر و برابر باشید البته نه اینکه بگذارید حقتان را بخورند ولی بعضی وقت ها هم لازم است که شخصی برای حفظ وحدت از حقش بگذرد!"



## شهید سید عبدالرحیم ساجدی

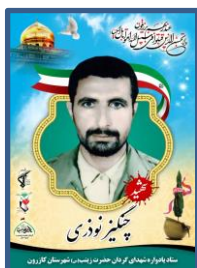
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۷/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید سید عبدالرحیم در خشت دیده به جهان گشود. دوران دبستان را در مدرسه ی شهید حسینی گذراند و دوران راهنمایی را در مدرسه ی شهید ساجدی خشت شروع کرد. هم زمان با تحصیل، پیروزی انقلاب اسلامی پیش آمد که شرکت شهید در راهپیمایی ها و تکثیر اعلامیه و شعارنویسی در منزل کوچه و خیابان از کارهای شهید بود. با پشت سر گذاشتن دوران راهنمایی، جنگ تحمیلی شروع شد. بنابراین ایشان سال دوم را نیز تمام کرد و سال سوم راهنمایی داوطلبانه به جبهه ها اعزام شد و نتوانست تحصیل را ادامه دهد. با طرح آموزش در مالک اشتر به عنوان فرمانده ی دسته پذیرفته شد و با کاروان صد هزار نفری حضرت محمد(ص) به جبهه اعزام شد و در عملیات کربلای ۴ فرماندهی یکی از دسته ها را به عهده گرفت. وی در سال ۱۳۶۳ پیک گردان حضرت زینب (س) بود و در عملیات کربلای ۴ با ندای بی سیم چی (یا زهرا) به دشمن حمله برد و سرانجام با زدن چهار تیر به پیکرش او را به شهادت رساندند.

فرزای از وصیت نامه

"اکنون اسلام نیاز به آبیاری دارد و تنها با خون ما جوانان به ثمر خواهد رسید. امام را یاری دهید و روحانیت اصیل را که سر منشا تمام کارهای ما می باشد از خود جدا نکنید!"



## شهید چنگیز نوزری

تاریخ تولد: ۱۳۳۱/۰۲/۱۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید چنگیز نوزری در سال ۱۳۳۱ در روستای رستم آباد منطقه خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. دوران دبستان را در خشت گذراند و برای تحصیل در دوره راهنمایی به کنار تخته رفت ولی به دلیل مسافت زیاد و پیاده روی طولانی ترک تحصیل نمود و به دامداری و کشاورزی مشغول شد. مدتی نیز به خدمت ارتش درآمد اما چون از نظام ارتش آن زمان دل خوشی نداشت از خدمت انصراف داد. پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۳ عازم جبهه شد. سرانجام در سال ۱۳۶۵ طی عملیات کربلای ۴ بر اثر اصابت ترکش در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"تا ذره ای ظلم و ستم روی زمین است اسلحه ها را روی زمین نگذارید و راه ما را ادامه دهید به امید پیروزی حق بر باطل و برافراشته شدن پرچم عدل الهی در سرتاسر گیتی".



## شهید علی نظر دهقانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۰/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید علی نظر دهقانی در سال ۱۳۴۴ در منطقه خشت از توابع کازرون متولد شد. از همان ابتدا و هنگامی که در دوره دبستان تحصیل می کرد در راهپیمایی های ضد رژیم شرکت می کرد. در کلاس دوم راهنمایی بود که جنگ تحمیلی شروع شد و او تحصیل را رها کرده و به عضویت بسیج در آمد و به مدت سه ماه در منطقه عملیاتی دهلران به مبارزه پرداخت. پس از آن در سپاه پاسداران کازرون ثبت نام کرد و برای نبرد با ضد انقلابیون و رژیم بعث به کردستان اعزام شد. او در کردستان مسئولیت تعاون تیپ المهدی را عهده دار بود. در سال ۱۳۶۲ به جبهه جنوب رفت و سرانجام در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"خدایا، تو خود می دانی که چقدر مشتاق شهادتم، اما هدف من شهادت نیست، بلکه انجام وظیفه و تحقق پیروزی دین توست."



شهید محمدرضا محمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید محمدرضا محمدی در سال ۱۳۴۴ در کازرون به دنیا آمد. از همان کودکی همراه پدر با حضور در مساجد، انس و الفتی ناگسسته با نماز و قرآن پیدا کرد. با اتمام دوره تحصیلی راهنمایی، جنگ تحمیلی آغاز شد و وی روانه جبهه های جنگ گردید. در شکست حصر آبادان حضور فعال و موثر داشت. سپس به عضویت سپاه پاسداران در آمد و بارها در عملیات مختلف شرکت کرد. او به ورزش نیز اهتمامی خاص داش و در وزنه برداری به مقام قهرمانی فارس رسید. او در مسابقات نیروهای مسلح نیز به نایب قهرمانی و مدال نقره دست یافت. سرانجام در عملیات کربلای ۴ پس از گذشتن از اولین دژ دشمن مفقود الاثر گردید و پیکر مطهرش در سال ۱۳۷۴ مورد تفحص قرار گرفت.

فرازی از وصیت نامه

"به انقلاب پایبند باشید و از اعمالی که دولت اسلامی را تضعیف کند جدا پرهیز کنید!"



## شهید منصور میراب

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۰/۰۱

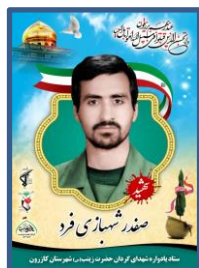
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید منصور میراب در سال ۱۳۴۵ در کازرون متولد شد. تحصیلات ابتدایی اش را در دبستان امیر عضدی و دوره ی راهنمایی را در مدرسه ی شهید بهبهانی نژاد با موفقیت به پایان رسانید پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی به عضویت پایگاه مقاومت مسجد صاحب الزمان درآمد و در سال ۱۳۶۱ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کازرون درآمد. وی پیوسته در جبهه های مختلف حاضر بود و فنون نظامی اعم از نبرد در جنگل و کوهستان تا دوره آبی خاکی را به نحو احسن پشت سر گذاشت. در چهارم دی ماه سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ همچون امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از دیگر همزمانش شجاعانه در مقابل دشمنان بعثی به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"مساجد و پایگاه مقاومت را پر کنید با بسیج و سپاه پاسداران همکاری کنید، با مردم خوب رفتار کنید و در پیشرفت کار آن ها بکوشید نگذارید مردم از انقلاب اسلامی ناراضی شوند!"





شهید صغدر شهبازی فرد

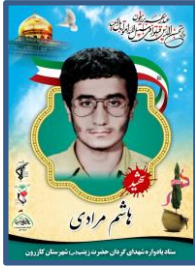
تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۵/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید صغدر شهبازی فرد در سال ۱۳۴۲ در کازرون متولد شد. دوران تحصیل خود را در زادگاهش گذراند. با شروع جنگ تحمیلی در بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ثبت نام کرد و عازم جبهه ی سرپل ذهاب گردید و بر اثر ترکش خمپاره از ناحیه دست مجروح شد. تلاش بسیار و تمرین و ورزش های مستمر باعث شد که پس از مدتی بهبود یابد. وی در عملیات تنگه چزابه و عملیات والفجر ۸ حضور داشت و در عملیات کربلای ۴ نیز معاون گروهان بود و پس از شهادت فرمانده گروهان، فرماندهی را به عهده گرفته و مبارزه با دشمن را ادامه داد و در همان عملیات به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"امروز باید پشت سر امام حرکت کنیم که راه نجات ما در همین است. نه از راهبر و امام جلو بزنیم و نه از او عقب بیفتیم که در هر دو حال، هلاکت و نابودی و انحراف است!"



## شهید هاشم مرادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۰/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

هاشم در شهر کازرون متولد شد. از پنج سالگی پا به مدرسه نهاد (مدرسه ملی رهنما). در سال پنجم دبستان بود که زمزمه های انقلاب برخاست و او همراه با خانواده و مردم شهر در این ظلم ستیزی شرکت فعال داشتند. در سال ۱۳۶۱ به دبیرستان ابوسعحاق وارد شد. در این زمان نیز سهمی از زحمت طاقت فرسای خود را به خانواده های بی بضاعت و صندوق های کمک به مستمندان اختصاص می داد. پس از پایان دوران دبیرستان در دهم دی ماه ۱۳۶۵ به جبهه جنوب اعزام شد و در سحرگاه بیست و پنجم دی ماه ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در شلمچه، قتلگاه پاکان در طلیعه هجدهمین بهار زندگی به دیدار محبوب، دوستان شهید، مولایش علی (علیه السلام)، سالار شهیدان حسین (علیه السلام) که بسیار در غم آنان اشک می ریخت و به دعای همیشگی اش که "اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبیلک" بود شتافت. روحش شاد و یادش گرامی باد.



## شهید هرمزد دهقانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۶/۱۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۶

شهید هرمزد دهقانی در سال ۱۳۳۸ در روستای بورکی از توابع کازرون به دنیا آمد. مقطع ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای مقطع راهنمایی راهی کنار تخته شد و سپس برای طی مقطع دبیرستان به کازرون نقل مکان کرد. پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی اعزام گردید که با فرمان امام خمینی (ره) از سربازخانه فرار کرد و به تهران رفت. پس از انقلاب وارد سپاه گردید و در سال ۱۳۵۹ راهی جبهه شد. ابتدا وارد تیپ امام سجاد شد و سپس به لشکر فجر پیوست و مدتی در مخابرات مقرهای تاکتیکی لشکر خدمت نمود. اما این تلاش ها او را قانع ننمود و لذا در گردان حضرت فاطمه زهرا (س) از لشکر فجر مسئولیت فرماندهی گروهان را به عهده گرفت و در عملیات های رمضان، خبیر، بدر و ... شرکت نمود. وی در عملیات کربلای ۴ از ناحیه سر دچار مجروحیت شد اما مجدد خود را آماده رزم نمود و سرانجام در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در حالی که معاونت گردان حضرت زینب (س) را به عهده داشت به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"من در دنیا مالی ندارم که بگویم چکار کنید ولی ذکر خداوند یادتان نرود که از همه چیز بالاتر است."



## شهید سید خلیل هاشمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۲/۱۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۰۷

شهید سید خلیل هاشمی در سال ۱۳۴۶ در روستای چاه گزی علامرودشت متولد شد. دوره دبستان را در مدرسه دولتی چاه عینی گذراند و تا کلاس اول راهنمایی ادامه ی تحصیل داد. سپس درس را رها کرد و در کارهای کشاورزی به یاری پدر شتافت. با آغاز جنگ تحمیلی به عضویت پایگاه مقاومت درآمد و با وجود سن کم با کسب آمادگی های دفاعی در سه نوبت عازم جبهه های نبرد شد و در مناطق عملیاتی جنوب به مبارزه پرداخت. در سال ۱۳۶۵ داوطلبانه به خدمت سربازی رفت. مدت ۸ ماه در لشکر المهدی (عج) خدمت نمود و در عملیات های مختلف از جمله کربلای ۴ و ۵ حضور داشت. وی به عنوان پیک گروهان حمزه در عملیات کربلای ۵ شرکت داشت و به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"جهاد دو چیز را در بر میگیرد؛ یکی خونی که شهید می دهد و دیگری پیام شهید که باید به همه منتقل شود!"



## شهید ناصر محمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۶/۳۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۳

شهید ناصر محمدی در سال ۱۳۴۴ در کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی را پشت سر گذاشت و در سن ۱۸ سالگی راهی جبهه شد و به کردستان رفت. بعد از ۱۸ ماه در کردستان او را به مدت ۳ ماه به شهرستان کازرون فرستادند که سربازی آن شهید هم در همان موقع تمام شد و باز هم از پدر و مادر اجازه گرفت و به جنگ با دشمن رفت و هنگامی که معاون گردان حضرت زینب (س) جهت شناسایی معبر عملیات به جلو رفته و توسط دشمن زخمی شده بود، ناصر داوطلبانه به یاری و نجات ایشان می رود و خودش نیز زخمی می شود. او در کنار یک تانک از کار افتاده پناه می گیرد اما وقتی که چهار نفر دیگر به جلو می روند تا هر دوی آنان را نجات دهند، شهید ناصر محمدی را پیدا نمی کنند ولی برادر جوکار را که هنوز نیمه جان بوده نجات می دهند و شهید محمدی در همان منطقه شهید و مفقود می گردد که پس از ۹ سال مورد تفحص قرار می گیرد.



## شهید نوراله رستمی

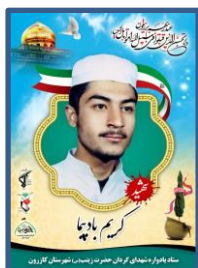
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۳

شهید نورالله رستمی در سال ۱۳۴۸ در شهر خشت دیده به جهان گشود. سال های اول تا پنجم ابتدایی را در زادگاهش گذراند و بعد از آن به مدرسه ی راهنمایی شهید ساجدی رفت و تا دوره ی راهنمایی را در آن جا پشت سر گذاشت. در سال دوم راهنمایی در حوزه ی علمیه ی بوشهر ثبت نام نمود. در سال ۱۳۶۱ از بوشهر به حوزه ی علمیه ی گویم رفت و هم زمان، با دست کاری شناسنامه اش عازم جبهه شد. وی برای بار دوم در سال ۱۳۶۴ به جبهه رفت. در سال ۱۳۶۵ طی نامه ای خطاب به رئیس حوزه ی علمیه ی الهادی خواستار موافقت ایشان با حضور وی در جبهه شد. سرانجام در ادامه ی عملیات کربلای ۵ روح بزرگش به پرواز در آمد.

فرازی وصیت نامه

"همانطور که تا به حال به شعار ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند عمل کرده اند بعد از این هم همینطور باشند و جبهه ها را فراموش نکنید."



## شهید کریم بادپیما

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

شهید کریم بادپیما در سال ۱۳۴۷ در کازرون متولد شد. هنگام شروع جنگ تحمیلی وی در مقطع راهنمایی تحصیل می کرد و در همان زمان عضو بسیج شد و آموزش های نظامی و کار با اسلحه را فرا گرفت. با آغاز تحصیلات دوره متوسطه در هنرستان، راهی جبهه غرب شد و در سر پل ذهاب به مبارزه پرداخت. در دوران هنرستان ۵ بار عازم جبهه شد و سرانجام در سال ۱۳۶۵ در حالی که در دانشگاه نیز پذیرفته شده بود، در عملیات کربلای ۵ بر اثر اصابت ترکش شهید شد.

فرازی از وصیت نامه

"ای کسانی که ورزش می کنید، ورزش جسم اگر همراه پرورش روح نباشد بدون ارزش و فاقد فایده است و ای کسانی که در هنرستان درس می خوانید هشیار باشید که قدم به قدم این هنرستان جای پای شهیدان به خون خفته ای است که در این هنرستان درس می خوانده اند".



## شهید علی اکبر توفیقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۱۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۱۴

شهید علی اکبر توفیقی در سال ۱۳۴۳ در کازرون متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم برای گذراندن دوره سربازی به عضویت سپاه پاسداران در آمد و ابتدا به کردستان و سپس به جنوب رفت. بعد از اتمام دوره سربازی در سال ۱۳۶۳ که منجر به چندین بار مجروحیت و موج گرفتگی نیز شد به کازرون برگشت. اما در مدت کوتاهی مجددا در کسوت بسیجی به جبهه بازگشت و در عملیات کربلای ۱، ۲ و ۵ حضور یافت. وی سرانجام در عملیات کربلای ۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"الهی، کسانی را که به این مردم شهید پرور خدمت می کنند، اجر ده و کسانی را که به این مردم ستم می کنند هلاک و رسوا گردان. خدایا همه ما را به آن صراطی هدایت کن که رضای تو در آن باشد و لا غیر!"



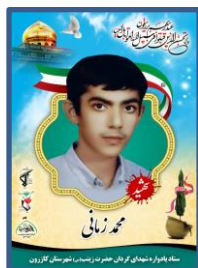


## شهید عبدالرسول ابراهیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۶/۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۲/۲۳

شهید عبد الرسول ابراهیمی در سال ۱۳۴۸ در روستان بزین به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای دوره راهنمای به روستای چیتی رفت. دوره متوسطه را در رشته اقتصاد در دبیرستان شهید دهقانی خشت شروع کرد و همیشه در صفحات سفید کتاب های درسی اش نقاشی های جنگی می کشید و تانک های دشمن را که به وسیله هواپیماهای خودی منفجر شده بود ترسیم می کرد و بالای صفحات کتابش می نوشت: شهید قلب تاریخ است. کلاس سوم دبیرستان بود که با دستکاری شناسنامه اش از طرف سپاه کازرون برای دیدن دوره آموزش نظامی اعزام شد و سپس راهی جبهه های جنوب گشت. وی پس از ماه ها حضور در جبهه در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.



## شهید محمد زمانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۷/۰۴

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید محمد زمانی در سال ۱۳۴۷ در روستای خالو محمدعلی از توابع لامرد متولد شد. تحصیلاتش را تا مقطع دبیرستان در زادگاهش و لامرد ادامه داد. بهترین سال‌های جوانی را در فضای معنوی انقلاب بالید و رشد کرد. از اعضای فعال گروه مقاومت محل بود و مسئولیت تبلیغات را بر عهده داشت. با شروع جنگ تحمیلی، ندای رهبر فرزانه‌ی انقلاب را لبیک گفت و عاشقانه راهی میعادگاه‌های خون و آتش گردید. در مناطق فاو و عین خوش با دشمن جنگید و در عملیات کربلای ۴ قهرمانانه حماسه آفرید و در حال نبرد با دشمن به شهادت رسید. پس از عملیات کربلای ۵ پیکر پاکش به زادگاهش منتقل گردید و در میان تشییع با شکوه مردم به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرازهایی از وصیت نامه

"همیشه گوش به فرمان امام امت باشید و هرگز امام را تنها نگذارید چون با شرکت نداشتن شما امت حزب الله در صحنه و گوش ندادن به فرمان امام قلب دشمن شاد می‌شود!"



شهید مسعود هاشمی

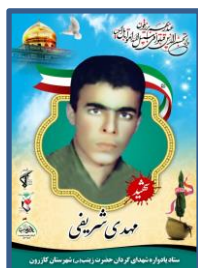
تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۴/۲۸

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۸/۰۸

شهید مسعود هاشمی در سال ۱۳۴۹ در چاه عینی از توابع لامرد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش پشت سر نهاد و پس از اتمام سال اول راهنمایی تحصیل را رها کرد تا به پدر در تامین معاش خانواده کمک کند. وی پس از حمله عراق به ایران با وجود سن کم به اصرار راهی میدان نبرد شد و پس از ۴۵ روز در جزیره مجنون بر اثر اصابت گلوله توپ به شهادت رسید. وی شخصیتی متین و فروتن داشت و از اعضای فعال پایگاه مقاومت بسیج بود که فعالیت های فرهنگی و امنیتی بسیاری انجام داد.

فرازی از وصیت نامه

"نکند دست از یاری ولایت فقیه بردارید که آن روز روز دفع و مرگ اسلام و روز خوشحالی منافقان است."



## شهید مهدی شریفی

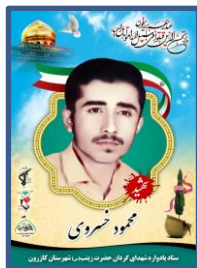
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۲/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید مهدی در روستای غیب الهی از توابع لامرد به دنیا آمد. در همان روستا دوران ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت به پایان رسانید. سپس وارد دانش سرای تربیت معلم لامرد گردید. با آغاز جنگ راهی جبهه ها شد. او از جزایر مجنون تا فاو را با گام های استوار و پر صلابتش در نوردید. در عملیات کربلای (۴) شرکت کرد و سرانجام در منطقه ی عملیاتی شلمچه به شهادت رسید و پیکر پاک و مطهرش پس از بیست و پنج روز با شروع عملیات کربلای (۵) به زادگاهش برگردانده شد.

فرازی از وصیت نامه

"الهی آفریدی رایگان و روزی دادی رایگان و بیمارز رایگان که تو خدایی نه بازرگان. الهی بر عجز و بیچارگی خود گواهم و از لطف و عنایت تو آگاه. الهی اگر چه گناه من افزون است اما عفو تو از حد برون است. الهی اگر مجرمم، مسلمانم و اگر بد کرده ام پشیمانم. اگر بسوزانی سزای آنم و اگر بیمارزی بجای آنم!"



شهید محمود خسروی

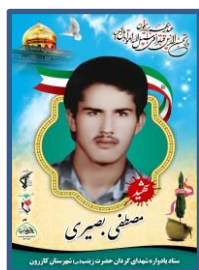
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۰۱/۰۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید محمود خسروی در روستای حسین آباد از توابع لار متولد شد. در تاریخ هفتم آذرماه ۶۵ عازم جبهه گردید. او به عشق زیارت کربلای سرور شهیدان حسین علیه السلام در عملیات کربلای ۴ شرکت کرده و به آرزوی دیرینه ی خویش یعنی شهادت در راه معبود ناآل و مهمان شهیدان همسنگرش شیری و امیری گردیده و پیکر پاک و مطهرش بر روی دستان انبوه امت حزب الله تشییع و در گلزار شهدا به خاک سپرده شد.

فرازی از وصیت نامه

"برتو است ای مسلمان که راه حسین علیه السلام را ادامه دهی و نگذاری که خون به ناحق ریخته مظلومانمان پایمال گردد و گرنه مسئول هستی در برابر خدا و پیامبرش!"



شهید مصطفی بصیری

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۳/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

شهید مصطفی بصیری در سال ۱۳۴۹ در روستای ده شیخ از توابع شهرستان لامرد قدم به عرصه ی حیات نهاد. در هفت سالگی وارد دبستان دولتی زادگاهش شد و تا کلاس پنجم ابتدایی ادامه تحصیل داد. پس از پیروزی انقلاب به عضویت فعال پایگاه مقاومت در آمد. با آغاز جنگ در حالی که تنها ۱۶ سال داشت اولین بار از طریق بسیج بندر لنگه راهی جبهه فو شد. او دفعات پی در پی راهی جبهه شد و در عملیات های کربلای یک و دو و کربلای چهار و پنج قهرمانانه شرکت نمود. او با قامتی چون کوه، استوار و پابرجا در راه اسلام جهاد کرد سرانجام در حالی که در منطقه ی شلمچه با آر پی جی به شکار تانک های دشمن مشغول بود در جولانگاه آتش و خون روح پاکش به ملکوت اعلی پرواز کرد و به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

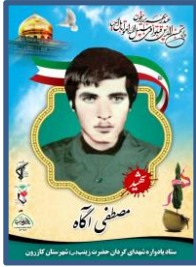


شهید اسد حسین زاده

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۷/۰۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید اسد حسین زاده در سال ۱۳۴۹ در روستای "نورآباد" از توابع شهرستان لامرد متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان هجرت "خندق" و راهنمایی را در مدرسه ی شهید اندرزگوی "لامرد" با رتبه ی ممتاز به پایان رساند و سپس وارد دانش سرای تربیت معلم امام صادق (ع) لامرد شد. پس از کسب آمادگی های لازم در بسیج، ابتدا در ستاد جمع آوری کمک- های مردمی فعال شد و مدتی بعد علی رغم سن کم، راهی جبهه های نبرد گردید. چهل و پنج روز در محور آبادان به پیکار با دشمن پرداخت. در بازگشت از جبهه دوباره رحل سفر بست و همراه سپاهیان موسوم به حضرت محمد (ص) رهسپار دیار عشق شد. در جبهه پیک گردان حضرت زینب (س) جمعی لشکر (۱۹) فجر بود که به شهادت رسید. پیکر مطهرش بیست روز آن جا ماند تا آن که عملیات کربلای ۵ آغاز شد و پیکر پاکش به پشت جبهه منتقل گردید.



## شهید مصطفی آگاه

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۰/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

شهید مصطفی آگاه در روستای دهنو بیرم از توابع شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی را در زادگاهش با موفقیت سپری کرد و برای ادامه ی تحصیلات راهی لار گردید. با شروع جنگ تحمیلی راهی جبهه شد. شهید به عنوان پاسدار افتخاری به عضویت سپاه لار در آمد و از آن جا عازم جبهه شد و تا مدت ها در جزیره ی مجنون و جبهه های دیگر با دشمنان به نبرد پرداخت. در هنگام نبرد با بدن مجروح نیز دست از ادامه نبرد بر نمی داشت تا این که در یکی از عملیات ها به آرامش ابدی دست یافت. پیکر پاک و مطهرش را در روستای محل تولدش به خاک سپردند.

فرازی از وصیت نامه

"تا آخرین قطره ی خونم سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد با خدای خویش پیمان می بندم که در تمام عاشورا ها در همه کربلاها با حسین (ع) همراه باشم و سنگر او را خالی نکنم تا هنگامی که احکام اسلام در سراسر گیتی به اجرا درآید!"





**شهید محمود باقرپور**

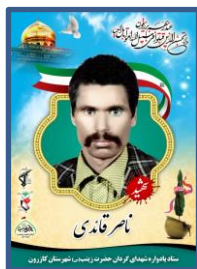
تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۳/۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۴

شهید محمود باقرپور در شهر اشکنان از توابع لامرد به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به پایان رساند. او با شروع جنگ تحمیلی وارد جبهه شد و در اکثر عملیات ها خط شکن بود. او فردی شاد و با نشاط و بسیار صبور بود و به مجروحیت های خود اعتنای چندانی نمی کرد. در یکی از عملیات ها هنگام درگیری با دشمن به محاصره در آمد و حدود هفت روز را در غاری سپری کرد. سرانجام در عملیات کربلای ۴ مورد اصابت تیر دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید.

**فرازی از وصیت نامه**

"ای خواهران حزب الله از رهبر خود زهرا (س) دستور بگیرید که می فرماید حجاب زینت زن است. حجاب خود را حفظ کنید که حجاب تو ای خواهرم کوبنده تر از خون شهیدان است."



## شهید ناصر قائدی

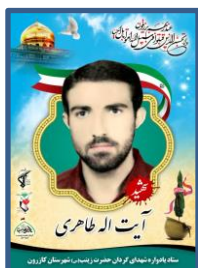
تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۱/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

شهید ناصر قائدی در صغاد از توابع دهبید متولد شد او با استعدادی که داشت توانست تا ششم ابتدایی پیش برود. بعد از آن وارد سپاه پاسداران منطقه شد. ناصر از همان کودکی آن چنان در مسیر کمالات اخلاقی پای پیش گذاشت که همه را شیفته ی خود کرده و جلوه ای زیبا از خود بر جای گذاشت. تا این که در منطقه ی شلمچه، در سنگر حق، آتش های کینه ی دشمن بر سر او و چند تن از یارانش فرود آمد و همه ی جانش را به نشاط و کامیابی رساند و بدین گونه مرغ جان او از قفس تن رهایی گرفت و جسمش به گلزار شهدای صغاد منتقل شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرازی از وصیت نامه

"پس ای گلوله ها و ای تیرها مرا در برگیرید که بسی مشتاقانه به این راه گام نهاده ام و چه شب-ها و روزها در انتظارتان بوده ام تا با نثار خون سرخ فام خود درخت تنومند و پر بار اسلام عزیز را آبیاری نمایم."

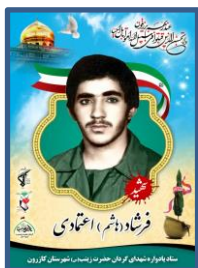


## شهید آیت‌الله طاهری اردکانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۴/۰۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

شهید آیت‌الله طاهری در سپیدان متولد شد. دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در شهرستان محل تولد خود گذراند. شهید طاهری در سال ۱۳۵۹ در حین انجام تحصیلات به دلیل اشتیاق فراوان برای مبارزه با متجاوزان، به جبهه اعزام شد و در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ در عملیات کربلای (۵) به درجه‌ی رفیع شهادت نائل آمد. شهید فردی بسیار فعال و علاقمند به تحصیل بود. روحش شاد و نامش جاودان.



شهید هاشم اعتمادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۲/۲۵

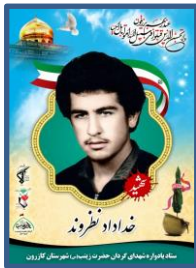
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

هاشم اعتمادی در سپیدان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس این شهرستان گذراند و بالاخره در سال ۱۳۶۰ موفق به اخذ مدرک دیپلم در شیراز شد. در جریان انقلاب فعالانه در براندازی رژیم ستم شاهی دست از مجاهدت و تلاش بر نداشت. از همان اوایل پیروزی، در کمیته های محلی و بالاخره در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپیدان به صورت افتخاری مشغول به کار شد کمتر از یک ماه از شروع جنگ تحمیلی با تنی چند از دوستانش در جبهه جنگ حضور پیدا کرد و در جنگ های نامنظم عشایر عرب در مناطق فارسیات- دب حردان- کرخه نور کوه های ا... اکبر- سوسنگرد و بستان و ... مشغول نبرد با صدامیان کافر شد. پس از مدتی به طور رسمی وارد سپاه شد و فعالیت خود را به صورت منظم و سازمان یافته آغاز نمود. در تیپ ۱۷ قم به عنوان مسئول گروهان در فتح المبین و بیت المقدس و سپس به عنوان یکی از بهترین فرمانده گردان های تیپ امام سجاد به فعالیت خود ادامه داد. در عملیات رمضان به عنوان مسئول محور عملیات و سپس به عنوان مسئول طرح و عملیات و ادوات امام سجاد(ع) در تیپ ۳۳ المهدی در حال مجاهدت و تلاش بود، سپس به واسطه ی تجربیات و رشادت هایی که از خود نشان داد در قرارگاه خاتم به ادامه ی فعالیت پرداخت. بعد از آن به معاونت عملیات لشکر فجر و مسئول محورهای عملیاتی در آمد و سپس به عنوان مسئول ستاد لشکر فجر در خدمت اسلام بود و این در زمانی بود که نیروهای مردمی

را جهت عملیات پیروزمند والفجر ۸ سازماندهی می کرد و خود نیز در این عملیات دوش به دوش سایر هم رزمانش حماسه ها می آفرید. پس از این عملیات بر حسب ضروری و تأکید حضرت امام (ره) به فرماندهی یکی از گردان های مستقل قائم منسوب شد و بعد از مدت کمتر از ۲ ماه این گردان را به تیپ تبدیل و با سرعت به سازماندهی و آماده کردن نیروهای تحت امر خود پرداخت. بلافاصله نیروهایش در عملیات کربلای ۴ شرکت کرده و در ادامه به طور متوالی در عملیات کربلای ۵ حضور فعال داشتند او در هیچ یک از عملیاتها رزمندگان را تنها نگذاشت و خود بعنوان پیش قراول، پیشاپیش سپاه در حرکت بود. شب ۶۵/۱۰/۲۴ نیروهای تیپ امام حسن (ع) عملیات خود را همگام با سایر تیپ ها و لشکرها با رمز مقدس یا زهرا (س) آغاز کردند. سرانجام در حالی که عهده دار فرماندهی تیپ بود به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"امت اسلامی: آگاه باشید و بدانید که نعمت های باری تعالی در سرزمین ایران همچون باران روان است. بدانید قدر و منزلت این نعمت را".



**شهید خداداد نظروند**

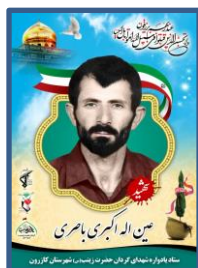
تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۰۱/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید خداداد نظروند در تنگ خیاره از توابع شهرستان بیضا دیده به جهان گشود و دوران ابتدایی را در زادگاهش گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت بسیج منطقه لپویی در آمد و چندین بار در کسوت بسیجی به جبهه اعزام شد. وی سرانجام در دی ماه سال ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی شلمچه و در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید و پیکر پاکش هجده روز بعد به زادگاهش برگردانده شد.

**فرازی از وصیت نامه**

"در راه خدا از مال و فرزندان بگذرید و اگر در این راه جان ناقابل خود را دادی بدان که مرگ در این راه فنا نیست یک نوع تولد واقعی است که نصیب همه کس هم نمی شود."



## شهید عین اله اکبری باصری

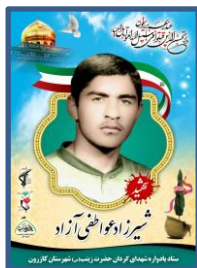
تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۰۴/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴

شهید عین اله اکبری باصری در تنگ خشک (سیوند) در خانواده ای از عشایر ایل خاص باصری به دنیا آمد و تا دوره سربازی به دامداری مشغول بود. پس از خدمت سربازی همراه با اوج گیری انقلاب اسلامی حضور فعالی در اعتراضات علیه رژیم شاهنشاهی داشت. در سال ۱۳۵۷ وارد ژاندارمری شد و سپس این شغل را ترک کرده و به سپاه پاسداران پیوست. وی در سال ۱۳۶۴ دوره نهضت سوادآموزی را گذراند و با وجود شهادت سه تن از برادرانش، حضور فعالی در جبهه ها داشت و سرانجام در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ در شلمچه به شهادت رسید.

فرزای از وصیت نامه

"خدایا امروز افتخارمان این است که در راه عقیدهای جهاد می کنیم که بر حقانیت آن کاملا آگاهیم و غیر از این برایمان راهی نیست که یا پیروز شویم و یا شهادت که در هر دو صورت پیروزیم!"



## شهید شیرزاد عوافی آزاد

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۲/۱۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۷

شهید شیرزاد عوافی آزاد در ارسنجان فارس دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۳۶۱ با دستکاری شناسنامه موفق شد به پادگان آموزشی شهید دستغیب کازرون وارد شده و سپس راهی جبهه شود. وی در جبهه موسیان و عملیات خیبر به مبارزه پرداخت و مجروح شیمیایی شد. پس از آن به لشکر ۱۹ فجر رفت. در مرحله اول عملیات کربلای ۵ شرکت کرد و در مرحله دوم این عملیات در سال ۱۳۶۵ مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه شعور و منطق و آگاهی که دارد خود انتخاب می کند."





## شهید مرتضی صالحی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۱۸

شهید مرتضی صالحی در سال ۱۳۴۷ در منطقه خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. دوران دبستان را در مدرسه ساسان با موفقیت به پایان رساند و برای دوره راهنمایی وارد مدرسه شهید آیت اله طالقانی شد. حضور فعالانه ای در پایگاه مقاومت مسجد امیر المومنین خشت داشت. سال اول و دوم راهنمایی را پشت سر گذاشت اما عشق به جبهه و شهادت وی را آرام نگذاشت و به دنبال راهی بود تا خود را به جبهه برساند. او از پدر و مادرش رضایت گرفت و از جهرم به جبهه اعزام شد. او قبل از آخرین عملیات خود به یک عکاسی در اهواز می رود و می گوید یک عکس زیبا و بزرگ از من بگیرید و رویش بنویسید: چشم انتظار منی مادر. سرانجام وی در سال ۱۳۶۶ در منطقه عملیاتی شلمچه بر اثر اصابت ترکش به ناحیه سر و کتف به شهادت رسید.



## شهید آیت اله مالکی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۱/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۴/۲۹

شهید آیت اله مالکی در اواخر سال ۱۳۴۹ در خشت متولد شد. دوران دبستان را در زادگاهش گذراند و همزمان با دوره راهنمایی با مسائل سیاسی و اجتماعی بیشتر آشنا شد و فعالیت های عملی خود را در پایگاه مقاومت مسجد آغاز نمود و مرتباً در مراسم شهداء نماز جمعه و راهپیمایی ها شرکت می کرد. با ورود به مقطع دبیرستان تلاش زیادی برای اعزام به جبهه نمود اما به علت کم بودن سن موفق نمی شد. پس از پایان سال دوم دبیرستان بالاخره توانست وارد پادگان آموزشی شهید دستغیب کازرون شود و پس از آن به جبهه اعزام گردید. وی در سال ۱۳۶۶ بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"اینجا جبهه نیست، بلکه جایگاه عاشقان شهادت می باشد. ای عاشقان شهادت به اینجا بیایید تا معنی خدا و اسلام و قرآن را بفهمید!"



## شهید امیر حمزه دهقان محمد آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۵/۲۵

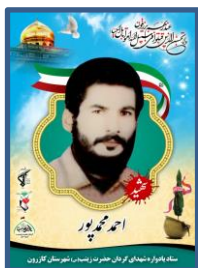
تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۹/۱۲

شهید امیر حمزه دهقان محمد آبادی در سال ۱۳۴۸ در روستای بلیان کازرون دیده به جهان گشود. دوران دبستان را تا کلاس چهارم در زادگاهش گذراند و با وجود علاقه زیاد به تحصیل به دلیل شرایط زندگی نتوانست درس را ادامه دهد و به کارگری مشغول شد. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل پایگاه های مقاومت، به پایگاه مقاومت روستا پیوست و عضو فعال آن شد. او چندین بار به بسیج مراجعه کرد تا او را به جبهه بفرستند اما چون سنش کم بود به وی اجازه نمی دادند تا اینکه بالاخره در آذرماه ۱۳۶۴ موفق شد برای گذراندن آموزش نظامی ثبت نام نماید و راهی پادگان امام علی شیراز شود. پس از آن در سال ۱۳۶۵ به جبهه جنوب اعزام شد. با اینکه زمان سربازی وی فرا نرسیده بود داوطلبانه به سپاه مراجعه کرد تا برای دوران خدمت خود ثبت نام کند. او در مدت خدمت خود در عملیات هایی مانند کربلای ۵، نصر ۴ و نصر ۷ حضور داشت. سرانجام در سال ۱۳۶۵ در حالی که تلاش می کرد جان همسنگر مجروحش را نجات دهد، مورد اصابت ترکش قرار گرفت و به شهادت رسید.

فرزای از وصیت نامه

"حالا که تمام قدرت های استکباری با همدستی یک دیگر سعی می کنند اسلام را خرد و نابود کنند، ما هم باید همچون کوه در مقابل آنها استقامت کنیم و چنان سیلی به آنها بزنیم که از

جایشان بلند نشوند تا بدانند که امت اسلامی هنوز در صحنه هستند و تا جوانان ما زنده اند چنین اجازه ای به دشمن نمی دهند که به خون شهدا خیانت کنند!"



شهید احمد محمدپور

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۲/۲۵

شهید احمد در شهر اشکنان از توابع لامرد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به اتمام رساند. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، همگام با امت مسلمان ایران در شهر "اشکنان" با شعار مرگ بر شاه، فریاد رهایی سر داد. پس از پیروزی انقلاب به نهاد مردمی سپاه پاسداران پیوست بعد از آن عزم جهاد کرد. پنجاه ماه حضور عاشقانه در جای جای مرزهای میهن اسلامی، گواه رشادت و ایثار آن پاسدار عارف است. سرانجام در میعادگاه خونین شلمچه برات آزادی گرفت و به خیل عظیم شهیدان پیوست.

فرازی از وصیت نامه

"تجربه به ما آموخته است که وحدت کلمه را باید حفظ کرد و در جلو مستکبران همیشه خود را محکم بدانید!"



## شهید محمود الهیاری

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۱۹

شهید محمود الهیاری در سال ۱۳۴۷ در شهر لامرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان ۱۳ آبان و تحصیلات راهنمایی را در مدرسه ی شهید اندرزگو لامرد گذراند و در سال ۱۳۶۲ با افتتاح دانش سرای تربیت معلم لامرد وارد این مرکز شد. علاقه ی خاصی به بسیج و سپاه داشت و همیشه داوطلبانه و به طور افتخاری با سپاه همکاری می نمود و بیش تر شب ها را به نهبانی در سپاه و بسیج می گذراند. از نظر حسن اخلاق نمونه بود و طبعی مهربان داشت. شهید چندین مرحله به جبهه اعزام شد و در عملیات والفجر ۸، فتح فاو در گردان حضرت زینب(س) حضور داشت و بالاخره در آخرین مرحله از حضور خود در حالی که ماموریتش به پایان رسیده بود و ایشان اصرار داشتند که در عملیات دیگری شرکت کنند در تاریخ ۱۹ فروردین ماه ۱۳۶۶ در عملیات کربلای ۸ در منطقه ی شلمچه به دیار معبود شتافت و به شهادت رسید یادش گرمای و روحش شاد باد.

فرزای از وصیت نامه

"ای جوانان نکند در رخت خواب ذلت بمیرید که حسین(ع) در میدان نبرد شهید شد، مبدا در رخت خواب غفلت بمیرید که علی(ع) در محراب عبادت شهید شد و مبدا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر(ع) در راه حسین(ع) و با هدف شهید شد!"



## شهید غلام تقوی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۵/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۱/۰۳

شهید غلام تقوی در سال ۱۳۴۸ در روستای "نیرای" از توابع شهرستان لامرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و دوره ی راهنمایی را در مدرسه ی خرد لامرد با موفقیت به پایان رساند و سپس وارد دانش سرای تربیت معلم امام صادق (ع) لامرد شد. در هنگامه ی هجوم دشمن به مرزهای کشور، راهی جبهه شد و در سه نوبت به جهاد با دشمنان پرداخت. سرانجام آن عاشق در سال ۶۶ و در منطقه ماهوت به مقام رفیع شهادت نائل آمد.

فرازی از وصیت نامه

"قافله مرگ همچنان پیش میرود تا مسافرین خویش را به مقصد برساند و همه از مسافران این قافله ایم و هر لحظه همراه آن و در حال حرکت به مقصد و مأوای خویش و بر ساکنین دنیاست که همواره در شناخت آن بکوشند و بدانند که در کجا زیست می کنند و برای چه زیست می-کنند و به کجا می روند؟ و اگر نیک بنگرند خواهند یافت که دنیا محل زندگی موقت و میدان آزمایش است."

## شهید نوذر ایزدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۲/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۲۷



نوذر ایزدی در سال ۱۳۴۲ در روستای ایزدخواست متولد شد. در سن شش سالگی راهی دبستان شد و تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند. بعد از آن برای کار به اصفهان رفت و سپس راهی اهواز شد. در درگیری دانشگاه اهواز با منافقین خیلی فعالیت داشت. در نماز جمعه شرکت می کرد و به ورزش هم علاقه ی زیادی داشت. در سال شصت و یک برای اولین بار اسمش را در بسیج و سپاه نوشت و همراه با پویندگان راهیان عشق عازم جبهه شد. سه ماهه اول تمام شد ولی نوذر برای مدت سه ماه دیگر ماندن در جبهه را تمديد کرد. تمديدهای پی در پی او از غرب به جنوب و از جنوب به غرب ادامه داشت. مدتی گذشت تا توانست در گردان حضرت زینب- (س) به عنوان فرمانده ی دسته انجام وظیفه کند در عملیات خیبر و بدر و در عملیات ایندایی قدس شرکت داشت و بعد برای یک سری آموزش های نظامی به تهران می رود و مهیای عملیات والفجر ۸ می شود و بعد از آن به منطقه ی عملیاتی مهران و دهلران رفت. همچنین در کربلای چهار شرکت کرد و از لشکر ۱۹ فجر گردان حضرت زینب(س)، به تیپ امام حسن(ع) گردان قمر بنی هاشم رفت و در کربلای ۵ هم شرکت کرد که در مرحله ی سوم از قسمت فک و دندان آسیب کلی دید که برای معالجه به تهران اعزام شد و بعد از چند روز در صورتی که هنوز بهبودی حاصل نشده بود به جبهه بازگشت و در تاریخ ۱۲ فروردین سال ۱۳۶۶



عازم غرب کشور شد. او در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۷ در عملیات کربلای ۱۰ در منطقه ی کردستان عراق با مسئولیت فرمانده گردان قمر بنی هاشم به درجه ی رفیع شهادت نائل گردید.

فرازی از وصیت نامه

خون شهدا را همیشه عزیز بدارید پیمان مقدسشان خون آن هاست و از شما می خواهم که در مرگ من ناراحت نباشید چون ما این مظلومیت ها را از علی(ع) و این شهادت ها را از حسین(ع) به ارث برده ایم و باید صبر را هم از زینب(س) درس بگیریم.



## شهید نوراله کاظمی ده بر آفتاب

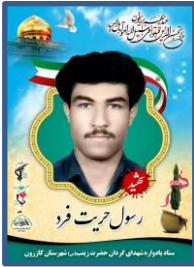
تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۴/۰۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۱/۲۷

شهید نوراله کاظمی ده بر آفتاب در سال ۱۳۴۸ در روستای ده بر آفتاب از توابع یاسوج به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در دبستان عشایری کوشک سفلی سپری کرد و دوره راهنمایی را در شهر یاسوج به اتمام رساند و وارد دبیرستان دکتر شریعتی شد. پس از شروع جنگ تحمیلی به عضویت سپاه پاسداران در آمد و در سال ۱۳۶۶ در منطقه سردشت به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"اگر توفیق نصیب من شد و به آرزویم رسیدم مبدا در مرگ من خیلی گریه کنید و لباس سیاه بر تن بپوشید. مبدا کاری کنید که منافقین کور دل شاد شوند. باید کاری کرد که این از خدا بی- خبرها درس عبرت از شما بگیرند و تا قیامت این درس عبرت برای آن ها باقی بماند!"



## شهید رسول حریت فرد

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۳/۲۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۸/۱۴

شهید رسول حریت فرد متولد سال ۱۳۴۵ در شیراز است که در لشکر ۱۹ فجر، در گردان حضرت زینب (س) مشغول خدمت شد و از خود رشادت های زیادی نشان داد. وی در سال ۱۳۶۶ بر اثر اصابت ترکش به شکم و بدن در منطقه ی عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

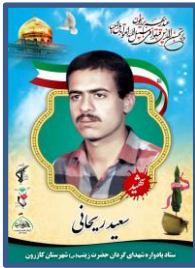


## شهید کمال ایزدی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۱/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۴/۲۸

شهید کمال ایزدی در شهرستان خرامه ی فارس به دنیا آمد. وی دوران دبستان و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و تا سال دوم دبیرستان ادامه داد. وی فردی باهوش بود و در فعالیت های فرهنگی هنری نیز حضوری فعال داشت. همزمانی شروع جنگ تحمیلی با دوره دبیرستان وی باعث شد تا تحصیل را رها کند و به بسیج بپیوندد. وی پس از گذراندن آموزش های نظامی به شلمچه اعزام شد. سرانجام در همان منطقه و در عملیات کربلای ۸ بر اثر اصابت تیر به ناحیه گردن به شهادت رسید.

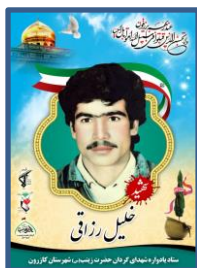


## شهید سعید ریحانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۶/۲۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۲

شهید سعید ریحانی در سال ۱۳۴۶ در شهرستان کازرون متولد شد. وی از همان کودکی در مکتب پدر با مبانی اسلام و قرآن آشنا و با آن ها مأنوس گردید. دوره ابتدایی را در مدرسه سعدی و دوره ی راهنمایی را در مدرسه حکیم سپری کرد و با شروع جنگ، تحصیل را رها کرده و به یاری رزمندگان شتافت. وی در بسیج سپاه کازرون ثبت نام نمود و پس از گذراندن دوره آموزشی به جبهه های جنوب اعزام شد. پس از مدتی حضور و مجروح شدن به کازرون بازگشت و این بار بدون اطلاع خانواده و به عنوان سرباز وظیفه راهی جبهه های جنگ شد و سر انجام در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید. پیکر مطهر این شهید تا ۳۷ روز پس از شهادت مفقود بوده و سپس جسد ایشان شناسایی و به خانواده ایشان تحویل داده شد.



## شهید خلیل رزاقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/۰۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۰۴/۲۸

شهید خلیل رزاقی در یکی از محله های شیراز به نام دروازه کازرون به دنیا آمد. دوره دبستان را در زادگاهش گذراند و سپس نزد پدر به بنایی مشغول شد. از نوجوانی به فعالیت های انقلابی پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی به عضویت بسیج در آمد و در سال ۱۳۶۵ به جبهه اعزام شد. سپس دچار مجروحیت شد و به خانه بازگشت. کمتر از یک سال بعد در سال ۱۳۶۶ مجدداً به جبهه رفت و در عملیات کربلای ۵ در منطقه عملیاتی شلمچه بر اثر اصابت خمپاره به شهادت رسید.



## شهید سید مصطفی موسوی

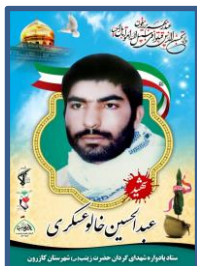
تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۱/۰۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۲۳

شهید سید مصطفی موسوی در سال ۱۳۴۷ در شهر آبادان متولد شد. تحصیل خود را در مقطع دبستان و راهنمایی در زادگاهش گذراند، اما با شروع جنگ تحمیلی ناگزیر به ترک زادگاهش گردید و در روستای گوریگه از توابع کازرون ساکن گردید و به عضویت پایگاه مقاومت روستا در آمد. اندکی بعد عازم میدان نبرد گردید و در عملیات های مختلفی از جمله عملیات کربلای ۴ و ۵، و تثبیت موضع در والفجر ۸ شرکت نمود. وی سر انجام در عملیات بیت المقدس ۷ به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"دانش آموزان، سنگر خود را رها نکنید. شما می توانید با درس خواندن مشت محکمی بر دهان آمریکا و دیگر استعمارگران بزنید... به آمریکا بگویید ما عاشق شهادتیم و از شهادت نمی ترسیم. آیا هیچ شنیده اید که عاشقی را از معشوقش بترسانند؟!"



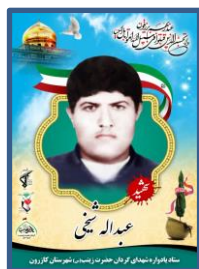
## شهید عبدالحسین خالو عسگری

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۶/۳۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید عبدالحسین خالو عسگری در سال ۱۳۴۷ در کازرون به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دوره ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش طی نمود. در دوره دبیرستان پس از گذراندن دوره آموزشی راهی جبهه گردید. در اولین حضور خود در جبهه به غرب رفت و در بسیاری از عملیات های پاکسازی شرکت نمود و هر بار پس از بازگشت از مناطق جنگی به تحصیل خود نیز می پرداخت. در سومین حضور خود در عملیات کربلای ۵ شرکت کرد و سر انجام در پنجمین حضور خود در مناطق جنگی به شهادت رسید و پیکر مطهرش بیش از ۴۰ روز در مناطق جنگی بر روی زمین باقی ماند. او در میان دوستان و نزدیکانش به فردی اجتماعی، مردمی و خوشرو مشهور بود و به فعالیت های ورزشی نیز اهتمام داشت.





## شهید عبدالله سلیمی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۶/۰۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۲۵

شهید عبدالله سلیمی در سال ۱۳۵۰ در گوریگه نزدیک کنار تخته از توابع کازرون متولد شد. او از همان دوران نوجوانی بارها برای رفتن به جبهه به بسیج منطقه مراجعه کرد ولی به علت سن کم پذیرفته نشد تا اینکه در سن ۱۴ سالگی راهی پادگان آموزشی شهید دستغیب کازرون گردید و از آن جا به کردستان اعزام شد. سپس در لشکر ۱۹ فجر گردان حضرت زینب مشغول خدمت گردید. او در یکی از اقدامات شهادت طلبانه اش، در عملیات بیت المقدس ۷ در حالی که گردان توسط نیروهای بعثی در حال محاصره شدن بود، با اجازه از فرمانده گردان، خود را به نزدیکی نیروهای بعثی رساند و از فاصله ۱۰ متری با تیربار به سمت آنان شلیک کرد که سبب کشته شدن و فرار افراد دشمن گردید. در ادامه ی همین عملیات در حالی که برای تامین یکی از لودرهای سنگرسازان به صورت داوطلبانه به سمت دشمن رفته بود، بوسیله تک تیر انداز دشمن به شهادت رسید.



## شهید غلامرضا مزارعی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۴/۱۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید غلامرضا مزارعی در روستای تنگ چوگان وسطی از توابع شهرستان کازرون متولد شد. پس از تحصیل در مقطع دبستان و راهنمایی برای تحصیل در مقطع دبیرستان راهی کازرون گردید. پس از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۱ برای گذراندن دوره سربازی راهی جبهه شد. وی صدایی دلنشین داشت و خواندن دعا با آوازی خوش سبب محبوبیت وی در میان هم‌زمان و فرماندهانش شده بود. پس از سپری شدن دوره سربازی در سال ۱۳۶۳ به زادگاهش برگشت و در سال ۱۳۶۶ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد. وی در عملیات بیت المقدس ۸ مجروح شد و سر انجام در حمله مجدد رژیم بعث پس از قبولی آتش بس در سال ۱۳۶۷ در دفاع از مرزهای کشور در شلمچه به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت نامه

"مبادا گریه کنید در فراق من، چون بنده به خاطر خدا به جبهه آمدم و از مرگ در راه خدا هراسی ندارم."



## شهید مختار عظیم پور

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۰/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

مختار عظیم پور در روستای گوربگه از توابع خشت چشم به جهان گشود. در مدرسه ی شهید "یا علی" تحصیلات را آغاز و بعد از اتمام این دوران وارد مدرسه ی راهنمایی شهید مطهری کنارتخته شد. سال اول راهنمایی را سپری کرد که جنگ تحمیلی شروع شد. در سال ۶۱ در سن ۱۳ سالگی راهی جبهه های نبرد شد و در عملیات رمضان شرکت کرد. در سال ۶۲ در گردان طرح لیبیک یا امام به ندای امام بزرگوارش لیبیک می گوید و در سال ۶۵ در یگان دریایی در خطوط جزیره مسئول خدمت رسانی به کمینگاه ها می شود. در چندین عملیات (قدس ۳- والفجر ۸ و...) شرکت نمود. در سال ۶۶ به عضویت سپاه در آمد و به گردان حضرت زینب(س) از لشکر ۱۹ فجر با مسئولیت فرمانده ی دسته پیوست. تا این که در تاریخ ۶۷/۴/۲۵ مجروح و به دست نیروهای عراقی افتاد. بعد از این که یک سال بدن مطهرش در صحرای گرم و سوزان جنوب افتاده بود در تاریخ ۶۸/۲/۹ بدن مطهرش تفحص و در گلزار شهدای روستای محمدیه به خاک سپرده شد.

فرازی از وصیت نامه: "از خدا بخواهید که روزی نیاید که زرق و برق مال و اموال اندک دنیا و با همسر و فرزندان و راه و رسم دنیا شما را فریب بدهد که در پیش عذاب خداوند است. دفاع از اسلام را از هر چیز برایتان عزیز است عزیزتر بدانید."



## شهید نادر مستحفظی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۵/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

نادر در شهر کازرون دیده به جهان گشود و در سن ۶ سالگی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ی سیدالشهداء گذراند و پس از آن برای گذراندن تحصیلات راهنمایی وارد مدرسه ی موحد شده، به خاطر علاقه ی زیادی که به کارهای فنی و مکانیکی داشت وارد هنرستان فنی شریعتی شد. در سن ۱۷ سالگی عضو افتخاری سپاه پاسداران شد و بعد از دیدن آموزش های نظامی وارد جبهه شد و در طول این مدت از ناحیه کتف مجروح شد و پس از بهبودی کامل به دلیل غیرت و عشقی که به امام و میهن خود داشت به جبهه برگشت و در تاریخ ۶۷/۵/۵ در منطقه- ی عملیاتی شلمچه پس از مجروح و زخمی شدن به اسارت دشمن درآمد و مفقود الاثر گردید و تا مدت ۱۴ سال هیچ اثری از این شهید بزرگوار دریافت نشد و بعد از آن از طریق صلیب سرخ به خانواده شهید اعلام می شود که به درجه ی رفیع شهادت نائل گردیده است. پیکر این شهید هیچ وقت به وطن باز نگشت و در غربت در شهر بصره کشور عراق به خاک سپرده شد.



## شهید هدایت اله زارعی

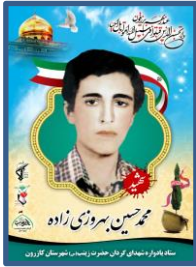
تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

هدایت الله زارعی در روستای بالاده ی کازرون به دنیا آمد دوران مدرسه را تا کلاس دوم راهنمایی در بالاده سپری نمود و کلاس سوم راهنمایی را در کازرون گذراند. در همین دوران با وجود سن کم در تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت می کرد. با شروع جنگ تحمیلی در سال اول دبیرستان، درس را رها کرد و به بسیج پیوست. او در سال ۱۳۶۰ به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و عازم جبهه شد. پس از اتمام ماموریت جبهه به خاطر عشق و علاقه ای که به حضرت امام داشت و شناختی که مسئولین از پاکي و خلوص ایشان داشتند، حراست از بیت امام را حدود دو سال به عهده گرفت و پس از پایان ماموریت مجدداً عازم جبهه شد و در همین اوان به عنوان مسئول پاسگاه سپاه پاسداران بالاده انتخاب و مدت چهار ماه در این سمت انجام وظیفه کرد.

مجدداً حال و هوای جبهه او را عازم می کند. مدت شش ماه از طرف سپاه پاسداران به لبنان اعزام شد و در آن جا مسئولیت حفظ سفارت ایران را به عهده داشت. پس از بازگشت، مجدداً عازم جبهه گردید و سرانجام در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

"ای مردم، تقوای الهی را پیشه کنید و از خدا بترسید. در راه خدا با مال و جان جهاد کنید. هنوز ندای "هل من ناصر" حسین (ع) به گوش می رسد. به خدا پناه برید و دین خدا را یاری نمایید تا خدا هم شما را یاری نماید. تحت تأثیر عوامل آمریکایی قرار نگیرید و پیرو و گوش به فرمان امام امت باشید دل به دنیا و دنیاپرستان ندهید که بهشت را به بها می دهند نه به بهانه و العاقبه للمتقین".



## شهید محمد حسین بهروزی زاده

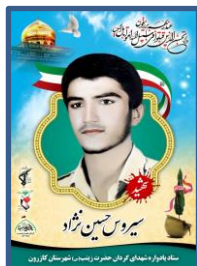
تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۰۶/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۲۶

محمد حسین در روستای شاه داوود از توابع خشت متولد شد. پس از گذراندن دوران دبستان وارد مدرسه راهنمایی شهید ساجدی خشت گردید. در ۱۲ سالگی به بسیج مستضعفین پیوست با این که در دبیرستان مشغول تحصیل بود اما دلش با رزمندگان بود در همین راستا با کسب اجازه از مادر با جمعی از دوستانش راهی جبهه گردید و ۴۵ روز را در شلمچه به اسلام خدمت کرد. بعد از اتمام ماموریت با تنی چند از دوستانش داوطلبانه در عملیات بیت المقدس ۷ شرکت کرد و بالاخره در شب ۱۳۶۷/۳/۲۶ به آرزوی خویش دست پیدا کرد و شربت شهادت را سر کشید.

فرازی از وصیت نامه

"برادران محصل و قشر فرهنگی علی الخصوص هم کلاسیان عزیز در این برهه ی حساس وظیفه ی شما سنگین است قلم به دست گرفتن کارآسانی نیست. ترویج انقلاب و تبلیغ پیام شهدا وظیفه شماست."



## شهید سیروس حسین نژاد

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۲/۱۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۲۳

سیروس حسین نژاد در منطقه ی خشت از توابع کازرون دیده به جهان گشود. دوران مدرسه را تا دبیرستان با موفقیت سپری نمود. این معلم شهید در تمام دوران تحصیلش دارای اخلاقی نیکو و همواره مطیع، متواضع و تحکیم دهنده ی صله ی رحم بود. ایشان در سنین نوجوانی عضو پایگاه شد و فعالانه شروع به فعالیت نمود. در سال ۱۳۶۳ در تربیت معلم مشغول تحصیل گردید. در این زمان بود که به ندای امام خمینی (ره) لبیک گفت و عازم جبهه شد. بعد از پایان مأموریت باز به سنگر تحصیل روی آورد. اما روح و روانش آرام و قرار نداشت و دوباره به جبهه عازم شد. در عملیات بیت المقدس ۷ در منطقه ی عملیاتی شلمچه از ناحیه ی سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"خدایا بهترین مرگ را که مخصوص اولیاء برگزیده ی توست به من عنایت فرما و بهترین راه رسیدن به این مرگ را به من نشان ده".





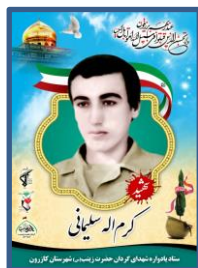
## شهید اسداله دهقانی

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۰۲/۰۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۴/۰۴

اسداله دهقانی در روستای نعمت آباد خشت به دنیا آمد. بعد از اتمام دوران ابتدایی به علت نبود امکانات آموزشی و نیز فقر مالی خانواده به ناچار دست از تحصیل کشید. ۱۵ ساله بود که به بوشهر رفت و در کارخانه ی بافندگی مشغول به کار شد و بعد از مدتی وارد انرژی اتمی شد. سپس دست از کار کشید و به صف راهپیمایان پیوست. از خدمت سربازی در رژیم ستم شاهی سرپیچی کرد چون سربازی را در آن زمان خدمت نمی دانست بلکه می گفت: خیانت است. اما به محض پیروزی انقلاب اسلامی دواطلبانه آماده ی خدمت سربازی شد. با شکل گیری سپاه پاسداران اسدالله نیز به این نهاد انقلابی پیوست. سال ۱۳۶۲ راهی جبهه شد و در منطقه ی زبیدات همراه دیگر یاران انقلاب را پاسداری نمود. سال ۱۳۶۵ بار دیگر راه جبهه را پیش گرفت تا این که در منطقه ی شلمچه از ناحیه ی هر دو پا مورد اصابت خمپاره قرار گرفت و به بیمارستان انتقال یافت به محض این که مختصری سلامتی پیدا کرد و توانست روی پا بایستد به سوی سنگرهای داغ جنوب روی آورد. در این موقع مسئول تدارکات یگان دریایی لشکر ۱۹ فجر بود. از جنوب به غرب کشور رفته و در عملیات والفجر ۱۰ که در منطقه حلبچه انجام شد شرکت نمود. همچنان که مجدداً مأموریت محوله را انجام می داد مورد حمله ی شیمیایی دشمن بعضی قرار گرفت. وی را به بیمارستان منتقل نمودند که بعد از بهبودی باز هم به جبهه رهسپار شد و به شهادت رسید.

"امت عزیز ایران، خواهشمندم و از شما می خواهم که در همه ی مشکلات و مصائب خدا را در نظر بیاورید و بدانید که در این دنیا یک دوست و یک رفیق مهربان و رؤف دارید و آن خدای بزرگ و کریم می باشد پس چه بهتر که تمام غم ها و مشکلات را به او گفته و ناراحتی ها را به او بازگو کرد".

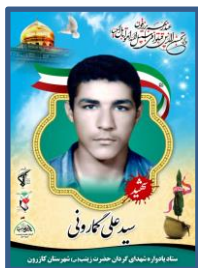


## شهید کرم اله سلیمانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱۰/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۰۴

شهید کرم اله سلیمانی در سال ۱۳۴۹ در روستای چیتی بخش خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. دوره دبستان را در زادگاهش گذراند و برای دوره راهنمایی به روستای بزین رفت. او همزمان استعداد فوق العاده ای از خود در رشته ی فوتبال به نمایش گذاشت. وی در دوران دبستان در یکی از روزهایی که شور و هیاهوی انقلابی به اوج رسیده بود با استفاده از میز جلو کلاس بالا رفت و با یک مشت محکم قاب عکس محمد رضا پهلوی را نقش بر زمین کرد. این کار او باعث شد که او را به پاسگاه محل برده و از وی بازجویی کنند. ولی با وساطت بعضی افراد و به دلیل کمی سن آزاد شد. او با کمک سایر جوانان بزرگتر از خود، پایگاه شهید بهشتی مسجد ولی عصر (عج) را افتتاح کرد و به حراست از مال و جان و مردم روستا پرداخت. در سال ۱۳۶۵ راهی جبهه شد و سر انجام در سال ۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی شلمچه مفقود الاثر گردید. پیکر مطهر وی در سال ۱۳۷۸ مورد تفحص قرار گرفت.

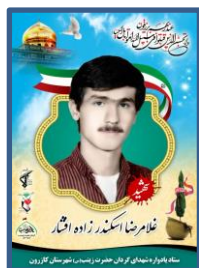


## شهید سید علی گمارونی

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۰۶/۱۴

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۳/۰۴

شهید سید علی گمارونی به استناد حاشیه ثبت شده در قرآن مجید پدرش، در سال ۱۳۴۹ (که در شناسنامه ۱۳۵۱ ثبت شده است) در منطقه خشت از توابع کازرون به دنیا آمد. او جوانی باهوش و با اخلاق بود و با وجود سن کم همواره دغدغه حضور در جبهه را داشت. پس از اصرار و تلاش بسیار، موفق به حضور در جبهه های جنگ گردید و در نهایت در سال ۱۳۶۷ در منطقه شلمچه مفقود الاثر گردید. هشت سال بعد در سال ۱۳۷۴ در پی تفحص های صورت گرفته در منطقه عملیاتی شلمچه پیکر مطهرش پیدا شده و در زادگاهش تشییع و به خاک سپرده شد.

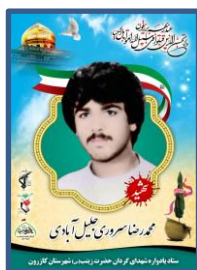


## شهید غلامرضا اسکندرزاده افشار

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۴/۱۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید غلامرضا اسکندرزاده افشار در روستای آقاجاری از توابع شهرستان بهبهان به دنیا آمد. دوره ابتدایی را در شیراز به پایان رساند و پس از گذراندن سال اول دوره راهنمایی به خاطر مشکلات خانوادگی از تحصیل انصراف داد و به کار در نانوايي پرداخت. در سال ۱۳۶۶ به خاطر علاقه به جبهه و جنگ عازم کردستان شد و به کارهای پشتیبانی و امداد رسانی پرداخت. و سپس به سربازی اعزام شد و به عنوان آر پی جی زن به مبارزه پرداخت. در سال ۱۳۶۷ در شلمچه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید و پیکر پاکش در منطقه باقی ماند. وی فردی مهربان و مهمان دوست بود و به صله ی رحم اهمیت می داد.



## شهید محمدرضا سروی جلیل آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۸/۰۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید محمدرضا سروی جلیل آبادی در شیراز متولد شد. وی در سال ۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی شلمچه بر اثر اصابت ترکش توپ به شهادت رسید.



## شهید عباس عوضی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۹/۲۴

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید عباس عوضی در شهر آبادان متولد شد. دوران دبستان را در زادگاهش گذراند و سپس به مدت پنج سال به کارگری مشغول شد تا به پدر در تامین خانواده کمک کند. برای خدمت سربازی وارد سپاه شد و به منطقه عملیاتی اعزام شد. سرانجام در سال ۱۳۶۷ در تک دشمن به شهادت رسید و مفقودالجسد گردید و حدود یک سال و نیم بعد، پیکر پاکش به زادگاهش بازگشت.



## شهید فضل اله فلاور جهرمی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۴/۱۹

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید فضل اله فلاور جهرمی در شهر آبادان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و سپس به کارگری مشغول شد. با رسیدن به سن خدمت سربازی از طریق سپاه پاسداران به جبهه اعزام شد. سرانجام در سال ۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.





## شهید سید احمد قاضی عسکر

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱۲/۲۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید سید احمد قاضی عسکر در شهر شیراز متولد شد. دوران ابتدایی را در زادگاهش سپری کرد و سپس به شغل پدری اش جوشکاری مشغول شد. به دلیل آسیب از ناحیه چشم در شغلش، از سربازی معاف شد. وی در جهاد سازندگی بدون دریافت حق الزحمه به جوشکاری می پرداخت و در نهایت از طریق جهاد به جبهه رفت. وی در منطقه شلمچه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید و پس از چند ماه پیکر مطهرش کشف و به زادگاهش برگردانده شد.



## شهید سید محسن قاضی عسکر

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۵/۱۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید سید محسن قاضی عسکر در شیراز به دنیا آمد. او دوران ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش به پایان رساند و سپس از طریق بسیج مساجد برای رفتن به جبهه اقدام نمود. دوره آموزشی را در اکبر آباد شیراز سپری کرد و در سن هفده سالگی در سال ۱۳۶۷ در منطقه شلمچه به شهادت رسید. وی چندین ماه مفقود الاثر بود و در نهایت در آبان سال ۱۳۶۸ در موسیان پیکرش معاوضه و به میهن برگردانده شد.

## فرازی از وصیت نامه

"همه قبول دارید که همه به سوی او خواهند رفت، ولی چه رفتنی خوب است و به کار در آخرت می خورد؟ و به خون شهدا قسم که رفتنی بهتر از شهادت نیست چرا که امامان ما هم اینطور رفتند."

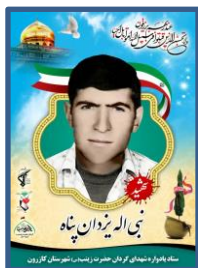


## شهید حسن نیازی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۳/۲۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید حسن نیازی در شهر شیراز دیده به جهان گشود. دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و در دوره متوسطه درس را رها کرد و به فراگیری آموزش های نظامی ابتدا در پایگاه مسجد جامع عتیق و سپس در پادگان شهید دستغیب کازرون پرداخت. او در سال ۱۳۶۵ به جبهه جنوب اعزام شد و مدت دو سال در آنجا به مبارزه پرداخت. وی سرانجام در سال ۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.



شهید نبی الیه یزدان پناه

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۹/۰۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید نبی الیه یزدان پناه در روستای برمشور از توابع شیراز متولد شد. دوران ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش گذراند و سپس برای کمک به خانواده ترک تحصیل کرده و به رانندگی مشغول شد. برای گذراندن دوره سربازی به سپاه مراجعه کرد و شش ماه به خدمت پرداخت که چهار ماه آن در منطقه های جنگی بود. وی سرانجام در سال ۱۳۶۷ در روزهای پایان جنگ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.



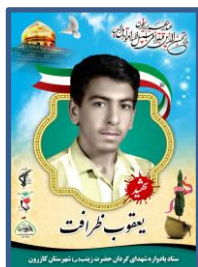
## شهید موسی مزارعی

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۳/۶

موسی مزارعی در شهر کازرون به دنیا آمد. در سن ۶ سالگی به دبستان رفت. در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی ایران در حال شکل گیری بود وی با این که کودکی خردسال بیش نبود با روحیه ی بلندی که داشت تا آن جا که در توانش بود در تظاهرات شرکت می کرد. در سال ۱۳۶۲ به عضویت پایگاه مقاومت شهید رجایی مسجد حاج قنبر درآمد و فعالیت انقلابی خود را ادامه داد. یک سال قبل از این که به سن قانونی سربازی برسد به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و دوره ی پاسداری و وظیفه را شروع کرد. وی پس از گذشت سه ماه از خدمت مقدس در گتوند در دریاچه ضمن آموزش توسط پروانه قایق از ناحیه هر دو پا مجروح شد به طوری که به وضعیت قطع هر دو پا رسید ولی با تلاش پیگیر و مداوم و دلسوزانه پزشکان پاهای وی نسبتا بهبود یافت. وی پس از بهبودی به سپاه پاسداران و لشکر ۱۹ فجر پیوست و در تاریخ ۱۳۶۷/۳/۶ در ساعت ۳/۳۰ صبح در حین ماموریت، دشمن قلب وی را هدف مستقیم کالیبر تانک قرار داد و او را به شهادت رساند.

فرزای از وصیت نامه: "مادر به خدا قسم که اگر صدبار دیگر بدنم پاره پاره شود تا زمانی که قدرت دیدن دارم در جبهه خواهیم بود چرا که جبهه دانشگاه عشق به معبود الله است. این جنگ، دانشگاهی است که فارغ التحصیلان آن جا سرفرازند!"



## شهید یعقوب ظرافت

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱۰/۲۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید یعقوب ظرافت در گرایش متولد شد. دوران ابتدایی را تا کلاس چهارم در زادگاهش گذراند و سپس به شغل کارگری مشغول شد تا بتواند احتیاجات خود و خانواده اش را تامین کند. وی در بسیج گرایش نام نویسی کرد و با وجود کار روزانه و خستگی بسیار، شب ها به پایگاه مقاومت می رفت و به گشت زنی و پاسداری می پرداخت. قبل از فرا رسیدن دوره سربازی به طور داوطلبانه خود را برای خدمت سربازی معرفی کرد و در سال ۱۳۶۶ به خدمت اعزام شد. وی شش ماه به مبارزه در جبهه ها پرداخت و در نهایت در پنجم مرداد ۱۳۶۷ مفقودالثر گردید و چهل و شش روز بعد جسد سوخته ی وی کشف و به گرایش انتقال داده شد.



## شهید سیوش اولادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۹/۱۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید سیوش اولادی در روستای جبل انارویه فارس به دنیا آمد. دبستان را در روستای بیدشهرک که ۵ کیلومتر از زادگاهش فاصله داشت، گذراند و پس از اتمام آن از تحصیل انصراف داد تا به امرار معاش خانواده کمک کند. قبل از فرا رسیدن موعد سربازی به طور داوطلبانه به جبهه رفت و در مدت خدمت سربازی نیز در جبهه ها خدمت می کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۷ در شلمچه به شهادت رسید و پس از ۲۸ روز جنازه نیمه سوخته وی پیدا شد و به وطن بازگشت.

فرازی از وصیت نامه

"پدر جان بعد از من هیچوقت ناراحت نباش شما پدر خوبی بودید که بعد از فوت مادرم مرا با مشقت و سختی بزرگ کردی و به جامعه اسلامی سپردی و خدا را شکر کن که از امانت خود به خوبی مواظبت کردی و دین خود را به نظام مقدس اسلامی ادا نمودی".



## شهید چراغعلی صمیمی

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۶/۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۵/۰۵

شهید چراغعلی صمیمی در سال ۱۳۴۹ در روستای کمارج از توابع کازرون متولد شد. دوران دبستان را در روستای محل تولدش با موفقیت گذراند اما به دلیل مشکلات مالی نتوانست تحصیلاتش را ادامه دهد و به کار مشغول شد. در سال ۱۳۶۵ جهت آموزش نظامی در بسیج کازرون ثبت نام کرد و به پادگان مرودشت اعزام شد. او در گردان های ثارالله، امام علی (ع) و تیپ مستقل امام حسن (ع) و همچنین گردان حضرت زینب (س) حضوری فعال داشت. در عملیات بیت المقدس ۷ به شدت مجروح شد اما پس از مدت کوتاهی و قبل از انجام عمل جراحی دوباره به جبهه بازگشت و سرانجام در سال ۱۳۶۷ در منطقه عملیاتی شلمچه به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"پدر و مادر، من امانتی هستم که نزد شما بودم و حالا خداوند امانت خود را گرفت. از دوستان می خواهم که اسلحه بر زمین افتاده من را به دست بگیرند و مبارزه کنند!"





## شهید حسام ایزدی

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۸/۰۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۴/۰۴

شهید حسام ایزدی در شهر خرامه فارس متولد شد. دوران دبستان را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۳۶۵ دوران راهنمایی را به اتمام رساند و به عضویت نیروی زمینی سپاه در تیپ ۵۶ در آمد و پس از گذراندن دوره آموزشی غواصی در منطقه اروند مشغول خدمت شد. وی بر اثر بمباران شیمیایی مجروح گردید و پس از مداوا به جزیره مجنون اعزام شد. سرانجام در سال ۱۳۶۷ در جزیره مجنون در عملیات تک دشمن به شهادت رسید و مفقودالامر گردید. پیکر پاک این شهید در سال ۱۳۷۹ مورد تفحص قرا گرفت و به زادگاهش بازگشت.



## شهید سید رحمت اله احمدی

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۶/۳۰

تاریخ شهادت: ۱۳۸۰/۰۶/۰۶

شهید سید رحمت اله احمدی در روستای کوشک سفلی، از توابع شهرستان بویراحمد به دنیا آمد. بخشی از تحصیلات ابتدایی اش را دور از خانواده و خارج از زادگاهش سپری کرد و دوره راهنمایی را در ده برآفتاب گذراند. وی در یک اقدام شجاعانه عکس شاه را پاره و از او ابراز انزجار کرد که باعث اخراج وی از مدرسه شد. در سال ۱۳۶۱ با دست کاری شناسنامه اش به عنوان بسیجی عازم جبهه گردید. در سال ۱۳۶۲ به عنوان پاسدار رسمی وارد سپاه شد و در لشکر ۱۹ فجر گردان حضرت زینب (س) به خدمت پرداخت. سپس معاونت گردان الزهرا (س) را عهده دار شد و در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ در معرض حمله بمب های شیمیایی دشمن قرار گرفت. وی پس از پایان جنگ نیز در مأموریت های تیپ ۴۸ فتح حضور داشت و سرانجام در سال ۱۳۸۰ بر اثر عوارض ناشی از بمب های شیمیایی به شهادت رسید.

فرازی از وصیت نامه

"ای امت حزب الله و همیشه در صحنه، نکند از جنگ خسته شوید... نکند دست از یاری ولایت فقیه بردارید... همانگونه که امام امت فرموده اند جنگ برای ما و ملت ما نعمت الهی است. پس جبهه ها را گرم نگه دارید... شهدا ذخائر مملکتید. راه شهدا را ادامه دهید..."



## شهید سید عبدالوهاب حسینی بلیانی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۲/۱۱

تاریخ شهادت: ۱۳۸۶/۰۲/۰۳

شهید سید عبدالوهاب حسینی در سال ۱۳۴۷ در روستای بلیان از توابع کازرون متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات خود در مقطع ابتدایی و راهنمایی در سال ۱۳۶۱ وارد جبهه‌های جنگ برای دفاع از خاک وطن گردید. وی در مجموع ۵۵ ماه در مناطق جنگی به مبارزه پرداخت و در عملیات‌های والفجر مقدماتی، والفجر ۵ و ۸ و کربلای ۴، ۵، ۸ و ۱۰ حضور داشت و در عملیات والفجر ۸ به دلیل قرار گرفتن در معرض گازهای شیمیایی، جانباز گردید و در نهایت در سال ۱۳۸۶ در اثر عارضه شیمیایی به شهادت رسید.

## فرازهایی از وصیت نامه

"ای امت همچون مردم کوفه نباشید؛ تا آخرین نفس و آخرین قطره خون دست از امام بر ندارید و مشکلات انقلاب را تحمل کنید که خدا با شماست".